



# بررسی آثار ادغام مؤسسات حسابرسی بر محیط رقابتی

ترجمه: دکتر علی رحمانی

استادیار دانشگاه الزهراء (س)

فائزه محمدی اروجه

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه الزهراء (س)

## هدف مطالعه

بازار حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ به صورت انحصاری درآمده است و مؤسسات حسابرسی بزرگ بخش عمده شرکت‌های سهامی بزرگ را حسابرسی می‌کنند به علاوه مؤسسات حسابرسی کوچک برای ورود به بازار رقابت با موانع زیادی روبرو هستند. ادغام میان مؤسسات حسابرسی بزرگ در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و انحلال آرتوراندرسون در سال ۲۰۰۲ تمرکز را میان بزرگ‌ترین مؤسسات حسابرسی که به نام "چهار بزرگ" شناخته می‌شوند افزایش داد. در حال حاضر این چهار مؤسسه ۷۸ درصد از کل شرکت‌های سهامی آمریکا و ۹۹ درصد فروش کل شرکت‌های سهامی را حسابرسی می‌کنند. این ادغام‌ها و تمرکزی که در نتیجه آن به وجود آمد منجر به برخی نگرانی‌ها شد. به منظور بررسی این موارد قانون ساربنز-اکسلی در سال ۲۰۰۲ GAO را موظف به مطالعه موارد زیر کرد:

- عوامل مؤثر بر ادغام
- اثر تمرکز بر رقابت، انتخاب مؤسسه حسابرسی توسط شرکت‌ها، حق الزحمه حسابرسی، کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرس
- اثر تمرکز بر تشکیل سرمایه و بازارهای اوراق بهادار و
- موانع پیش روی مؤسسات حسابرسی کوچک در ورود به بازار رقابتی مؤسسات حسابرسی بزرگ در مورد حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ

## چکیده

مانند عدم وجود کارکنان کافی، فقدان تخصص در صنایع، جذب سرمایه، دسترسی جهانی و اعتبار روبرو هستند. در نتیجه، نیروهای بازار به گونه‌ای نیستند که منجر به گسترش چهار مؤسسه بزرگ فعلی شوند. به علاوه، برخی از عوامل و شرایط خاص می‌توانند منجر به کاهش بیشتر مؤسسات بزرگ شوند.

### پیشینه

طی ۷۰ سال گذشته حرفه حسابرسی از طریق عملکرد مستقل خود نقش مهمی در گزارشگری و افشای مالی داشته است و موجب حمایت از عملکرد کارای بازار سرمایه آمریکا شده است. در طول این دوران، حرفه حسابرسی و مؤسسات حسابرسی دستخوش تغییرات عمده‌ای مانند تغییر در دامنه ارائه خدمات در پاسخ به نیازهای در حال تغییر صاحبکاران بودند. در پی ادغام‌ها در میان هشت مؤسسه حسابرسی بزرگ طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و انحلال آرتور اندرسون در سال ۲۰۰۲، بازار مؤسسات حسابرسی بسیار متمرکز شد و تحت سلطه چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ درآمد.

### رفع ممنوعیت تبلیغات و جذب صاحبکار

دهه‌ها بود که حساب‌رسان نمی‌توانستند مانند اعضای سایر حرفه‌ها تبلیغ کنند یا به دنبال متقاعد کردن صاحبکاران یا ورود به فرآیند مناقصه رقابتی برای جذب صاحبکار باشند. این محدودیت‌ها توسط AICPA وضع شد که مسئول منشور اخلاقی اعضای خود و هیئت‌های حسابداری ۵۰ ایالت بود. در آغاز دهه ۱۹۷۰، کمیسیون تجارت آمریکا<sup>۲</sup> و وزارت دادگستری آمریکا<sup>۳</sup> و شاغلان انفرادی مبنای قانونی این محدودیت‌ها را از طریق اقدامات قانونی به چالش کشیدند. در نتیجه این چالش‌ها، AICPA و هیئت‌های ایالات، قوانین جدیدی را تصویب کردند و تنها تبلیغات نادرست، فریب‌آمیز و گمراه‌کننده را محدود و محدودیت‌های مناقصه رقابتی را حذف کردند. اگرچه شرکت‌های سهامی بزرگ حساب‌رسان خود را براساس این قیمت‌های رقابتی تغییر ندادند اما افزایش رقابت و امکان درخواست کار از صاحبکاران، انگیزه‌ای را برای مؤسسات به وجود آورد تا برای حفظ صاحبکاران خود قیمت‌های رقابتی را پیشنهاد کنند.

### افزایش ارائه خدمات مشاوره مدیریت و نگرانی در

#### مورد استقلال حساب‌رسان

از گذشته حساب‌رسان خدمات گسترده‌ای را به صاحبکارانشان ارائه می‌کردند. در کنار خدمات سنتی مانند خدمات حسابرسی و اعتباردهی و خدمات مالیاتی، مؤسسات حسابرسی خدمات

هم در بعد ملی و هم جهانی، مؤسسات حسابرسی بزرگی که قادر باشند شرکت‌های سهامی بزرگ را حسابرسی کنند، بسیار اندک هستند که خود موجب به وجود آمدن نگرانی در مورد تعداد گزینه‌های بالقوه، حق‌الزحمه، کیفیت و ریسک تمرکز می‌شود. دفتر حسابداری عمومی آمریکا<sup>۱</sup> (GAO) با استفاده از شاخص هیرشمن-هرفیندل<sup>۲</sup> که یکی از شاخص‌های معمول برای اندازه‌گیری تمرکز است نشان داد که پس از ادغام میان مؤسسات بزرگ و انحلال آرتور اندرسون، مؤسسات بزرگ دارای قدرت زیادی در بازار شدند (نمودار ۱). اگرچه تاکنون GAO شواهدی دال بر ضعف در بازار رقابتی نیافته اما تغییرات مهمی که در حرفه روی داده ممکن است در آینده پیامدهایی برای رقابت و انتخاب شرکت‌های سهامی بزرگ به ویژه در برخی صنایع خاص به وجود آورد.

### نمودار ۱- شاخص هیرشمن هر فیندل

طی سال‌های ۱۹۸۸ الی ۲۰۰۲



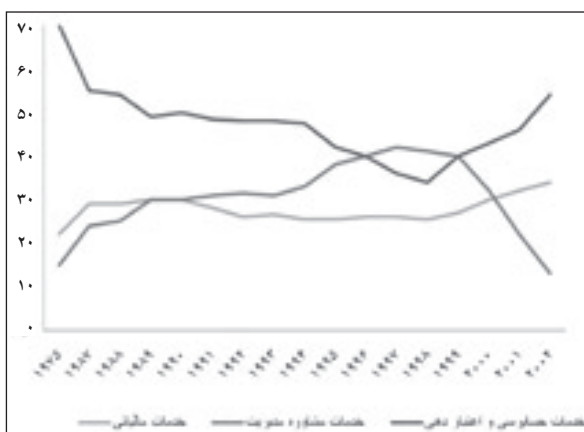
این تحقیق، رابطه قطعی میان حق‌الزحمه حسابرسی و ادغام نیافته است. یافته‌های GAO نشان می‌دهد که حق‌الزحمه حسابرسی شروع به افزایش کرده است و اکثر کارشناسان انتظار دارند این روند در پاسخ به تغییرات اخیر و در حال تداوم در بازار حرفه حسابرسی ادامه یابد. تحقیقات پیرامون کیفیت و استقلال حسابرسی رابطه‌ای میان کیفیت و استقلال حسابرسی با ادغام نیافت و این رابطه معمولاً بسیار ضعیف بوده است. همچنین GAO موفق به یافتن رابطه روشنی میان ادغام و تشکیل سرمایه نشد، اما آثار بالقوه‌ای را در مورد شرکت‌های کوچکی که به دنبال جمع‌آوری سرمایه بودند، مشاهده کرد. البته مشاهدات GAO نشان می‌دهد که با توجه به تغییرات بی‌سابقه‌ای که در بازار حسابرسی روی داده، دیگر رفتارهای گذشته نمی‌توانند نشان‌دهنده رفتارهای آتی باشند و این نتایج احتمالی نیاز به مطالعات بیشتر در این زمینه را در آینده بیشتر می‌کند که شامل مطالعه در مورد جلوگیری از ادغام بیشتر و حفظ بازار رقابتی می‌شود.

در نهایت GAO دریافت که مؤسسات حسابرسی کوچکتر در ورود به بازار رقابت مؤسسات حسابرسی بزرگ با موانعی



سال ۲۰۰۱ منتشر شد، قوانین موجود SEC پیرامون استقلال حسابرسان را اصلاح کرد و برخی از خدمات غیرحسابرسی را که در بعضی موارد به استقلال حسابرسان ضربه می‌زند را معرفی کرد. به‌علاوه این اصلاحات شرکت‌های سهامی عام را ملزم به افشای اطلاعات درباره خدمات غیرحسابرسی حسابرسان در صورت‌های مالی کرده است. در پی اجرائی شدن قانون ساربنز-اکسلی، کمیسیون بورس و اوراق بهادار قوانین جدیدی را در زمینه استقلال در سال ۲۰۰۳ وضع کرد. این قوانین جدید محدودیت‌های بیشتری را در مورد ارائه خدمات مشاوره مدیریت و سایر خدمات غیرحسابرسی که مؤسسات می‌توانند برای صاحبکاران حسابرسی خود فراهم کنند، ایجاد کرد.

نمودار ۲: درصد خدمات مؤسسات حسابرسی به کل خدمات در سال ۱۹۷۵ و بین سال‌های ۱۹۸۷ الی ۲۰۰۲



منبع:

Senate Subcommittee on Reports, Accounting and Management, Committee on Government Operations, The Accounting Establishment, 95th Congress, 1st Session, March 31, 1977; Public Accounting Report, 1987-2002.

مشاوره در زمینه‌هایی مانند فن‌آوری اطلاعات را نیز ارائه می‌کردند. طی چندین دهه گذشته خدمات مشاوره مدیریت به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است (نمودار ۲). برای نمونه، در سال ۱۹۷۵ خدمات مشاوره مدیریت به طور متوسط ۱۱ درصد از درآمد کل هشت مؤسسه بزرگ را تشکیل می‌داد. اما در سال ۱۹۹۸ خدمات مشاوره مدیریت به طور متوسط به ۴۵ درصد کل درآمد پنج مؤسسه حسابرسی بزرگ افزایش یافت. البته در سال ۲۰۰۰، مؤسسات حسابرسی اقدام به تفکیک قسمت‌های مربوط به ارائه خدمات مشاوره کردند و متوسط درآمد خدمات مشاوره تا حدود ۳۰ درصد کل درآمد پنج مؤسسه بزرگ کاهش یافت. افزایش درآمد ارائه خدمات مشاوره مدیریت و سایر خدمات غیرحسابرسی، نگرانی قانون‌گذاران و جامعه را نسبت به استقلال حسابرسان افزایش داد. در طول دهه ۱۹۷۰، زمانی که خدمات مشاوره تنها بخش کوچکی از درآمد ۸ مؤسسه بزرگ را تشکیل می‌داد، یکی از مطالعات کنگره نشان داد که توانایی مؤسسات حسابرسی جهت حفظ استقلال خود زمانی که خدمات حسابرسی و مشاوره مدیریت را به یک صاحبکار ارائه می‌دهند، کاهش می‌یابد. برخی دیگر از مطالعات در این زمینه نیز منجر به اقدام مؤسسات حسابرسی و کمیسیون بورس و اوراق بهادار جهت افزایش استقلال ظاهری و حقیقی حسابرسان شد. در سال ۲۰۰۰، کمیسیون بورس و اوراق بهادار به دلیل افزایش نگرانی در مورد ضربه خوردن به استقلال حسابرسان در اثر افزایش ارائه خدمات غیرحسابرسی، اصلاح قوانین خود درباره استقلال حسابرسان را پیشنهاد کرد. قوانینی که در

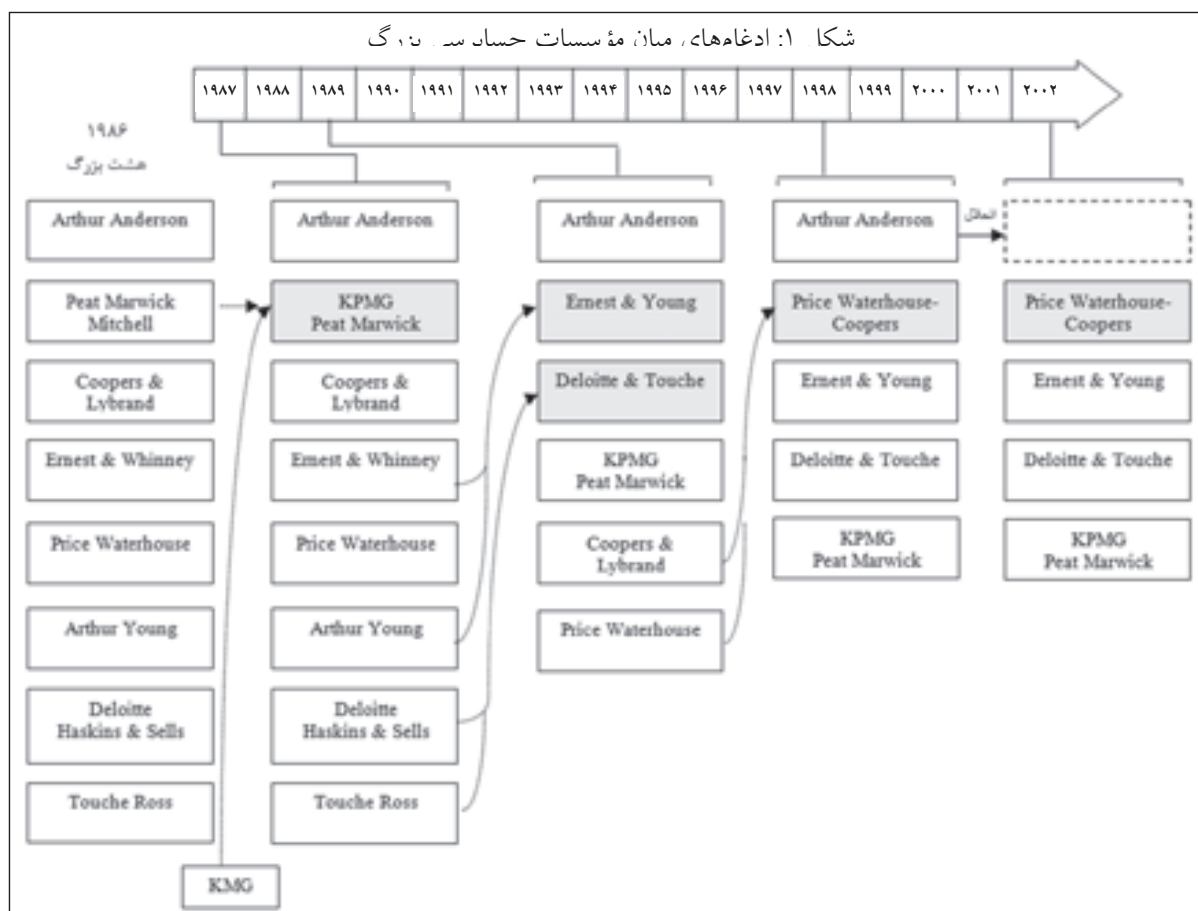
## ادغام میان هشت مؤسسه حسابرسی بزرگ و انحلال آرتوراندرسون و ایجاد «چهار بزرگ»

در سال ۲۰۰۲ منحل گردید.

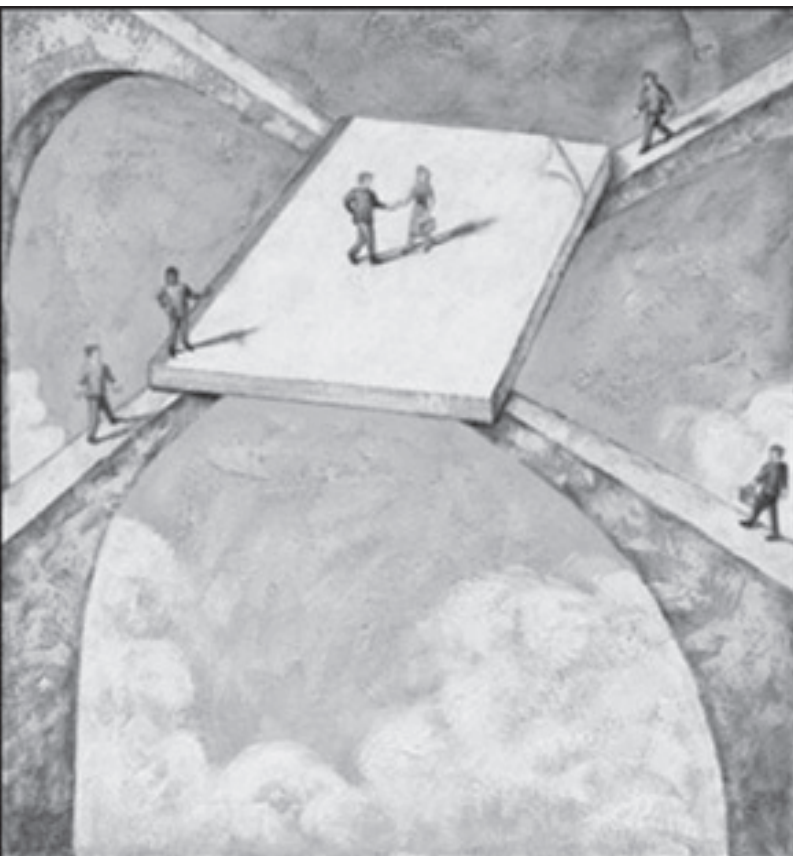
**عوامل مؤثر در ادغام‌های دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰**  
 چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ و سایر کارشناسان چندین عامل را در ادغام‌های دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میان هشت مؤسسه حسابرسی بزرگ مؤثر می‌دانند. رشد سریع تجارت آمریکا در سطح بین‌المللی، توجه بیشتر به صرفه اقتصادی ناشی از مقیاس و نیاز و توجه به ایجاد یا گسترش تخصص‌های حرفه‌ای و صنایع در میان سایر عوامل در این ادغام‌ها نقش قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. اول این که روند افزایش جهانی شدن شرکت‌ها منجر به افزایش تقاضا برای مؤسسات حسابرسی شد که در سطح بین‌المللی فعالیت می‌کردند. دوم این که، برخی مؤسسات با مدرنیزه کردن فعالیت‌های خود و افزایش ظرفیت استفاده از کارکنان، به دنبال دستیابی به صرفه اقتصادی ناشی از مقیاس بیشتر و توزیع ریسک به سرمایه پایه بیشتر بودند. سوم این که برخی مؤسسات به دنبال تعلیم متخصصان فنی و مربوط به صنایع خاص بودند زیرا فعالیت‌های صاحبکاران آن‌ها با گذشت زمان پیچیده تر و گسترده‌تر می‌شد. و بالاخره برخی مؤسسات جهت حفظ یا افزایش سهم بازار و حفظ موقعیت خود در بازار در میان مؤسسات بزرگ دست به ادغام زدند.

اگرچه، مؤسسات حسابرسی از آغاز قرن بیستم جهت افزایش میزان فعالیت‌های خود در زمینه‌های ملی و بین‌المللی شروع به ادغام و تحصیل کردند، در اواخر دهه ۱۹۸۰ هشت مؤسسه حسابرسی بزرگ شروع به ادغام با یکدیگر کردند (شکل ۱). همانطور که وزارت دادگستری آمریکا در راهنمای ادغام اشاره کرده است، این وزارتخانه جهت ارزیابی این ادغام‌ها معیارهای گوناگونی را به کاربرد تا دریابد آیا این ادغام‌ها منجر به ایجاد یا بهبود قدرت بازار شده‌اند و آیا باید با آن‌ها مقابله شود یا خیر. وزارت دادگستری آمریکا اثر ادغام بر بازار متمرکز حسابرسی، افزایش احتمال کاهش رقابت و ورود سایر رقبا به بازار را مورد بررسی قرار داد. سپس به بررسی این موضوع پرداخت که آیا در اثر ادغام کارائی افزایش می‌یابد و یا این که آیا یکی از مؤسسات ادغام شونده در صورت عدم تأیید ادغام از بازار خارج می‌شود یا خیر.

سرانجام ادغام‌ها باعث پدید آمدن ۴ مؤسسه حسابرسی بزرگ در سال ۲۰۰۲ شد. اقامه دعوی علیه آرتور اندرسون (که در آن زمان در رتبه چهارم قرار داشت) به دلیل نقشی که به عنوان حسابرس انرون داشت، موجب از هم پاشیدن شرکا، کارکنان و صاحبکاران آن شد و آرتور اندرسون



امر موجب شده تا آنها بتوانند به نیازهای پیچیده و در حال رشد صاحبکارانشان پاسخ دهند. هر یک از هشت مؤسسه حسابرسی بزرگ در صنعت خاصی تبحر داشتند. طی این ادغامها مؤسسات قادر بودند دانش خود را در صنایع مختلف گسترش دهند و از این طریق فعالیت‌های خود را گسترده‌تر کنند. برای نمونه، ادغام Arthur Young و E & Whinney - nest دو مؤسسه را به هم رساند که به ترتیب در زمینه خدمات بهداشتی و تکنولوژی تخصص داشتند. ادغام Price Waterhouse - house و Coopers & Lybrand نیز دو مؤسسه را به هم رساند که به ترتیب در زمینه انرژی و گاز و ارتباطات دارای تخصص بودند.



همچنین برخی از کارشناسان مؤسسات حسابرسی بزرگ بر این باور بودند که بعضی از ادغام‌های دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به دلیل نیاز و میل به ایجاد و گسترش خدمات مشاوره مدیریت رخ داد که همانطور که پیش از این گفته شد این خدمات بخش عمده‌ای از درآمد مؤسسات را تشکیل می‌داد. همچنین برخی کارشناسان بر این باور بودند که ادغام‌ها این امکان را برای آنها فراهم آورد تا با ارائه خدمات گسترده‌تر به صاحبکاران به صرفه اقتصادی ناشی از مقیاس دست یابند. مؤسسات از طریق ادغام قادر شدند با یکدیگر همکاری کنند و خدمات بیشتری (مانند مشاوره مالیاتی، حسابرسی داخلی، پشتیبانی سیستم‌های

## جهانی شدن صاحبکاران و نیاز به گسترش فعالیت‌های مؤسسات حسابرسی در سطح بین‌المللی

باتوجه به نظر چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ، جهانی شدن یکی از عوامل مؤثر در ادغام‌های دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بود. با گسترش فعالیت‌های صاحبکاران در سطح بین‌المللی، مؤسسات حسابرسی بزرگ در جهت ارائه خدمات به صاحبکاران و گسترش فعالیت‌های خود تحت فشار قرار گرفتند. روند جهانی شدن شرکت‌ها که امروزه نیز ادامه دارد، تا حدودی به دلیل برطرف شدن موانع تجاری بود. به علاوه در اواسط دهه ۱۹۹۰، با پیشرفت‌های گسترده در زمینه تکنولوژی و ارتباطات که منجر به تغییر روش فعالیت‌های تجاری شد، محیط اقتصادی به میزان قابل توجه‌ای متحول شد. در نتیجه، شرکت‌های بزرگ آمریکا فعالیت‌های خود را در سطح بین‌المللی گسترش دادند و بسیاری از شرکت‌های خارجی وارد بازارهای آمریکا شدند. اگرچه بیشتر مؤسسات حسابرسی بزرگ در کشورهای مختلف نمایندگی داشتند اما دارای شبکه گسترده‌ای نبودند که قادر به ارائه خدمات به شرکت‌های بزرگ چند ملیتی باشند. برخی از مؤسسات کوچکتر در میان این مؤسسات بزرگ در جذب و حفظ شرکت‌های فرعی خارجی و بزرگ با مشکل روبرو بودند. ادغام با مؤسسات بزرگ دیگر سریع‌ترین راه برای پوشش این شکاف جغرافیایی بود. برای نمونه در دهه ۱۹۸۰، Ernest & Whinney در کشورهای حاشیه اقیانوس آرام فعالیت بیشتری داشت اما Arthur Young در این کشورها فعالیت چندانی نداشت. به همین طریق، Price Waterhouse در آفریقای شمالی فعالیت خود را گسترش داده بود اما فعالیت Coopers & Lybrand بیشتر در اروپا متمرکز بود.

به علاوه مؤسسات بر این باور بودند که جهت گسترش دسترسی و ظرفیت کارکنان خود، به ایجاد شبکه‌های جهانی نیاز دارند تا بتوانند با استانداردهای حسابداری و قوانین کشورهای مختلف آشنا شوند. همچنین جهانی شدن مسائل مالیاتی در پی داشت که مؤسسات را ملزم به داشتن شبکه‌ای گسترده کرد تا بتوانند به صاحبکارانی که به صورت فزاینده در حال فعالیت در کشورهای مختلف هستند، خدمات ارائه کنند. هشت مؤسسه حسابرسی بزرگ برای داشتن شبکه گسترده جهانی نیازمند ادغام با مؤسسات مطرح خارجی بودند.

## افزایش پیچیدگی فعالیت‌های صاحبکاران و نیاز به تخصص در زمینه صنایع و صلاحیت فنی

مؤسسات حسابرسی بزرگ بر این باورند که ادغام‌ها موجب افزایش دانش تخصصی آنها در صنایع مختلف و ایجاد و گسترش خدمات مشاوره مدیریت شده است که این



بر صرفه اقتصادی ناشی از مقیاس، آن‌ها انتظار داشتند که ادغام‌ها موجب افزایش ظرفیت کلی کارکنان و در نتیجه ارائه خدمات بهتر و تخصیص بهینه منابع در جهت پاسخگویی به نیازهای بازار شود. همچنین سرمایه پایه بیشتر موجب شد تا مؤسسات، سرمایه‌گذاری بیشتری در آموزش کارکنان کنند. به علاوه کارشناسان اظهار داشتند که آموزش کارکنان این فرصت را برای مؤسسات حسابرسی فراهم کرد تا بتوانند کارکنان متخصص لازم برای ارائه خدمات مورد نیاز صاحبکاران را جذب و حفظ کنند. همچنین کارشناسان انتظار داشتند که صرفه اقتصادی ناشی از مقیاس، کارایی عملیاتی را افزایش دهد و کاهش حاشیه سود ناشی از افزایش رقابت، جبران شود.

### افزایش سهم بازار و حفظ موقعیت بازار

سیاری از مؤسسات نیز جهت حفظ یا افزایش سهم بازار خود دست به ادغام زدند تا بتوانند موقعیت خود را در میان مؤسسات حسابرسی بزرگ حفظ کنند. ادغام‌های دهه ۱۹۸۰ سبب به وجود آمدن ناهمگونی زیادی در اندازه بزرگترین و کوچکترین مؤسسات موجود در «هشت بزرگ» شد. کارشناسان چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ بر این باورند که ادغام عملی‌ترین راهکار جهت گسترش فعالیت از طریق رشد داخلی بود. برای نمونه، زمانی که Deloitte Haskins & Sells به عنوان هفتمین مؤسسه و Touche Ross به عنوان هشتمین مؤسسه حسابرسی ادغام شدند به سومین مؤسسه حسابرسی بزرگ تبدیل شدند. ایجاد Deloitte & Touche باعث شد تا Coopers & Lybrand به دومین مؤسسه کوچک تبدیل شود تا این که در سال ۱۹۹۸ با کوچکترین مؤسسه (Price Waterhouse) ادغام و به دومین مؤسسه حسابرسی بزرگ تبدیل شد.

### افزایش تمرکز در بازار حسابرسی و گزینه‌های کمتر

#### برای شرکت‌های سهامی

از سال ۱۹۸۸ بازار حسابرسی به ویژه بازار حسابرسی شرکت‌های چندملیتی و بزرگ به میزان قابل ملاحظه‌ای متمرکز شده است و باعث شده این شرکت‌ها گزینه‌های کمتری برای انتخاب داشته باشند. ادغام‌های سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۸ منجر به افزایش در برخی شاخص‌های کلیدی تمرکز شد که معمولاً توسط وزارت دادگستری آمریکا و کمیسیون تجارت آمریکا جهت ارزیابی ادغام‌های بالقوه استفاده می‌شود. این شاخص‌ها نشان می‌دهند که بازارهای حسابرسی به میزان قابل ملاحظه‌ای متمرکز شده‌اند و این امر منجر به توانایی چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ در اعمال قدرت بر بازار زیادی شده است. علاوه بر استفاده از معیارهای تمرکز،

اطلاعاتی) را فراتر از خدمات سنتی حسابرسی و اعتبار دهی برای صاحبکارانشان فراهم کنند. برخی مؤسسات برای حفظ قدرت رقابتی خود دست به ادغام زدند تا از این طریق بتوانند در کنار حسابرسی خدمات دیگری مانند مشاوره را نیز ارائه کنند. برای نمونه، ادغام Deloitte Haskins & Sells و Toche Ross سبب ایجاد همکاری دو مؤسسه ای شد که یکی در زمینه حسابرسی و مشاوره مالیاتی و دیگری در زمینه خدمات مشاوره مدیریت بسیار قدرتمند بودند.

تقویت دانش فنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا بسیاری از کارشناسان بر این باورند که شرکت‌ها، مؤسسه حسابرسی خود را براساس دانش فنی و گستره جغرافیایی فعالیت آن انتخاب می‌کنند. به همین دلیل مؤسسات شروع به ارائه خدمات پشتیبانی فنی به صاحبکارانشان کردند تا بتوانند فعالیت خود را پیشرفته‌تر کنند.

### صرفه اقتصادی ناشی از مقیاس

مؤسسات حسابرسی نیز مانند شرکت‌های سهامی در طول دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ با تغییرات فن آوری و نوآوری‌های زیادی مواجه شدند. طبق نظر کارشناسان، مؤسسات شروع به حرکت به سمت سیستم‌های حسابداری کامپیوتری کردند و رویکردهای جدید حسابرسی را تدوین کردند که نیاز به تعهدات سرمایه‌ای قابل ملاحظه‌ای داشت. مؤسسات به دنبال آن بودند که از طریق ادغام، سرمایه پایه خود را افزایش دهند تا بتوانند با توزیع هزینه‌های زیرساختی و مدرنیزه کردن، به صرفه اقتصادی ناشی از مقیاس دست یابند. برخی از کارشناسان بر این باور هستند که ادغام‌ها نقش مؤثری در مدرنیزه کردن مؤسسات حسابرسی داشتند زیرا مؤسسات حسابرسی برخلاف صاحبکارانشان نمی‌توانند از طریق انتشار اوراق بهادار، سرمایه خود را افزایش دهند. به دلیل ساختار مالکیت مؤسسات حسابرسی، سرمایه مؤسسات حسابرسی به میزان زیادی به سرمایه شرکا وابسته است. کارشناسان مؤسسات حسابرسی معتقدند که علاوه

توانایی برای اعمال قدرت بر بازار در بازار شرکت‌های سهامی بزرگ است.

تحلیل نسبت تمرکز چهار مؤسسه بزرگ نیز نشان می‌دهد که از سال ۱۹۸۸ تمرکز میان چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ افزایش یافته است. در سال ۱۹۸۸ چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ (Price Waterhouse, Anderson, Coopers & Lybrand و KPMG) ۶۳ درصد از کل فروش شرکت‌های سهامی را حسابرسی می‌کردند و چهار مؤسسه بعد از آن‌ها (Ernest & Whinney, Arthur Young, Deloitte Haskins & Sells و Touche Ross) ۳۵ درصد از کل فروش شرکت‌های سهامی را حسابرسی می‌کردند. تا سال ۱۹۹۷ چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ ۷۱ درصد از کل فروش شرکت‌های سهامی را حسابرسی می‌کردند و دو رقیب دیگر (Coopers & Lybrand و KPMG) ۲۸ درصد دیگر را حسابرسی می‌کردند. اما در سال ۲۰۰۲، چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ ۹۹ درصد از کل فروش شرکت‌های سهامی را حسابرسی می‌کردند و هیچ رقیب مهمی هم نداشتند.

رقابت کارا لزوماً شرایط رقابتی کامل را در بر ندارد، هر چند وجود انحصار موجب بروز نگرانی‌هایی می‌شود زیرا شرکت‌ها توانایی اعمال قدرت بر بازار را می‌یابند و ساختار متمرکز بازار امکان تبانی را ساده تر می‌کند. از جنبه تمرکز بازار، بازار حسابرسی نیز مانند بسیاری دیگر از بازارهای ایالات متحده است که بسیار متمرکز هستند. هر چند ساختارهای حاصله مشابه هستند اما عوامل مؤثر بر ساختار بازار و محیط رقابتی هر یک اساساً با یکدیگر متفاوت اند.

### تاثیر ادغام بر رقابت قیمتی

علی‌رغم وجود تمرکز زیاد در بازار حسابرسی، شواهدی دال بر آسیب رساندن به قیمت‌گذاری رقابتی مشاهده نشده است. همانطور که پیش از این اشاره شد بخش‌های زیادی در اقتصاد متمرکز هستند اما بازارها معمولاً در حالت رقابت کامل در نظر گرفته می‌شوند. در نتیجه، اطلاعات تمرکز بازار ممکن است اهمیت انحصار شدید بر رقابت را بیش نمایی



مدل ساده رقابت قیمت خالص به کار برده شد تا بررسی شود که آیا تمرکز زیاد فعلی در بازار خدمات حسابرسی لزوماً با شرایط رقابت قیمت خالص مغایرت دارد یا خیر. صرف نظر از توانایی مؤسسات جهت اعمال قدرت بر بازار، ادغام، تعداد گزینه‌های مؤسسه‌های حسابرسی را برای شرکت‌های بزرگ و چندملیتی که نیاز به مؤسسات حسابرسی بزرگ با کارمندان شایسته، متخصص در صنایع خاص و دارای تخصص فنی با پوشش جغرافیایی گسترده و اعتبار بین‌المللی دارند، محدود کرده است. همچنین در برخی موارد به دلایلی مانند تضاد منافع، قوانین استقلال و تخصص در صنعت تعداد این گزینه‌ها کمتر نیز می‌شود.

### بازار انحصاری حسابرسی شرکت‌های بزرگ

همه شاخص‌ها نشان دهنده وجود انحصار در بازار حسابرسی شرکت‌های بزرگ سهامی هستند، زیرا بیش از ۶۰ درصد از بازار در اختیار چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ قرار دارد و سایر مؤسسات جهت ورود به بازار با موانعی روبرو هستند.

به علاوه، شاخص‌های تمرکز مانند شاخص هیرشمن-هرفیندل که توسط وزارت دادگستری آمریکا و کمیسیون تجارت آمریکا در تفسیر تمرکز بازار استفاده شده اند، نگرانی‌هایی را در مورد سطح رقابت میان مؤسسات حسابرسی با توجه به اطلاعات اخیر ایجاد کرده است. پس از ادغام Price Waterhouse و Coopers & Lybrand و انحلال آرتور اندرسون، مؤسسات بزرگ توانایی زیادی در جهت اعمال قدرت بر بازار داشتند (نمودار ۱). شاخص هیرشمن-هرفیندل کمتر از ۱۰۰۰ نشان دهنده بازاری با عملکرد رقابتی است که احتمال آثار نامطلوب رقابت در آن حداقل است. در مقابل، شاخص هیرشمن-هرفیندل بالاتر از ۱۸۰۰ نشان دهنده بازار متمرکز است که مؤسسات در آن توانایی اعمال قدرت بر بازار - توانایی حفظ قیمت‌های بالاتر از سطح رقابتی برای یک دوره طولانی مدت- را دارند. فروشندگانی که دارای قدرت بازار هستند می‌توانند از طریق ابزارهایی مانند کیفیت محصول و خدمات یا نوآوری، رقابت را کاهش دهند. پس از انحلال آرتور اندرسون، شاخص هیرشمن-هرفیندل تا ۲۵۶۶ افزایش یافت که به میزان زیادی بالاتر از آستانه لازم برای اعمال قدرت زیاد بر بازار است.

در سال ۲۰۰۲ بیشترین تمرکز میان مؤسسات حسابرسی در بخش بازار شرکت‌های سهامی بزرگ بود. شاخص هیرشمن-هرفیندل در مورد مؤسسات حسابرسی که شرکت‌های سهامی با فروش میان ۱ تا ۱۰۰ میلیون دلار را حسابرسی می‌کنند، کمتر از آستانه ۱۸۰۰ است اما برای شرکت‌های با فروش بیش از ۱۰۰ میلیون دلار بیش از آستانه ۱۸۰۰ است که نشان دهنده



کند. هرچند نسبت‌های تمرکز و شاخص هیرشمن - هرfindل شاخص‌های مناسبی برای نشان دادن ساختار بازار هستند اما تنها احتمال تبانی‌های ناشی از انحصار یا اعمال قدرت بر بازار را نشان می‌دهند. از آن‌جاکه از گذشته اعتقاد بر این بوده است که ساختار بازار بر رهبری بازار و عملکرد اقتصاد تاثیرگذار است، این نگرانی وجود دارد که ممکن است بازار انحصاری خدمات حسابرسی منجر به آثار مخربی بر خریداران خدمات حسابرسی و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی حسابرسی شده داشته باشد.

در این تحقیق جهت ارزیابی اثر تمرکز در بازار خدمات حسابرسی بر شرایط قیمت‌گذاری رقابتی از مدل ساده قیمت‌گذاری رقابتی خاص استفاده شده است. این مدل به گونه‌ای طراحی شده که بازاری با شرایط قیمت‌گذاری رقابتی خاص را شبیه‌سازی کند که در آن صاحبکاران حسابرسان را براساس حق‌الزحمه آن‌ها و نه کیفیت خدمات و شهرت مؤسسه انتخاب می‌کنند. نتایج این مدل نشان می‌دهد که بازاری که تنها از طریق قیمت‌گذاری اداره می‌شود نیز می‌تواند منجر به بازار متمرکز شود. این مدل، سهم‌های بازار را به گونه‌ای شبیه‌سازی کرد که بسیار مشابه سهم بازار واقعی چهار مؤسسه بزرگ است و گمان بر این می‌رفت که این سهم بازار در اثر عواملی مانند کیفیت، شهرت و دسترسی جهانی ایجاد شده باشد. به علاوه این مدل پیش‌بینی می‌کند که چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ ۶۴ درصد از شرکت‌های موجود در بازار نمونه را حسابرسی می‌کنند که این نتیجه با نتایج دنیای واقعی که معادل ۶۲٫۲ درصد در سال ۲۰۰۲ در مورد شرکت‌های موجود در شبیه‌سازی است، مطابقت دارد. همچنین این مدل پیش‌بینی کرد که چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ ۹۶٫۳ درصد شرکت‌های نمونه با دارایی بیش از ۲۵۰ میلیون دلار را حسابرسی خواهند کرد که نزدیک به آمار واقعی است که درصد آن برابر ۹۷ درصد شرکت‌های مشابه در سال ۲۰۰۲ است. اگرچه تاکنون شواهدی دال‌بر آسیب دیدن رقابت در بازار خدمات حسابرسی مشاهده نشده است، افزایش میزان تمرکز و محدودیت‌های اخیر در مورد خدمات غیر حسابرسی توسط حسابرسان به صاحبکاران حسابرسی می‌تواند منجر به تبانی و یا اعمال قدرت بر بازار شوند.

### گزینه‌های محدود شرکت‌های سهامی بزرگ برای انتخاب حسابرسان

مهم‌ترین اثری که بازار حسابرسی متمرکز دارد، محدود شدن گزینه‌های شرکت‌های سهامی است که قصد دارند حسابرسان خود را به طور اختیاری یا اجباری تغییر دهند. از شرکت‌های سهامی که در این بررسی شرکت داشتند، ۸۸ درصد (۱۳۰ از ۱۴۷) انتخاب مؤسسه حسابرسی کوچکتر (به جز

چهار مؤسسه بزرگ) را برای خدمات حسابرسی و اعتباردهی خود مناسب نمی‌دانستند. برای اکثر شرکت‌های سهامی بزرگ حداکثر تعداد گزینه‌ها از ۸ مؤسسه در سال ۱۹۸۸ به چهار مؤسسه در سال ۲۰۰۳ کاهش یافته است. با توجه به بررسی اولیه، اکثر شرکت‌های سهامی (۹۴ درصد یا ۱۳۷ از ۱۴۵) بر این باور بودند که برای تغییر مؤسسه حسابرسی خود سه گزینه یا کمتر جهت انتخاب دارند. همه بیست مدیرمسئول انتخاب حسابرسان که مورد سؤال قرار گرفتند اظهار داشتند که سه گزینه یا کمتر برای انتخاب دارند. از شرکت‌هایی که در این بررسی شرکت داشتند ۴۲ درصد (۶۱ از ۱۴۷) بیان داشتند که تعداد گزینه‌های کافی برای خدمات حسابرسی و اعتباردهی ندارند. هرچند در پاسخ به این سؤال که آیا باید اقدامی در جهت افزایش تعداد گزینه‌ها صورت گیرد یا خیر، نتایج نشان می‌دهد که ۷۶ درصد (۵۴ از ۷۱) از شرکت‌های سهامی از عملکرد نیروهای بازار بدون دخالت دولت حمایت می‌کنند.

همچنین این مطالعه دریافت که تعداد گزینه‌های صاحبکاران ممکن است به دلایلی مانند تضاد منافع، قوانین مربوط به استقلال و تخصص در صنعت توسط مؤسسات محدودتر شود و حتی به کمتر از ۳ مؤسسه برسد. اول این که چهار مؤسسه بزرگ تمایل دارند تا در صنایع خاص به صورت تخصصی فعالیت کنند و بیشتر شرکت‌های سهامی در این بررسی ترجیح می‌دادند از مؤسسات حسابرسی استفاده کنند که در صنعت آن‌ها تخصص دارند که این امر خود باعث کاهش تعداد گزینه‌های شرکت‌های سهامی برای انتخاب حسابرسان می‌شود. تخصص‌گرایی در صنعت (سهم بازار بالای نسبی از دارایی‌ها یا فروش صاحبکار در صنعت خاص) می‌تواند شاخصی از تسلط مؤسسه بر آن صنعت در سطوح مختلف باشد. برای نمونه بازار متمرکزی را در صنعتی خاص

الزحمه حسابرسی عوامل مختلف دیگری مانند اهمیت ارائه خدمات مشاوره مدیریت به صاحبکاران باعث این تغییرات شده‌اند که تفکیک این عوامل از یکدیگر دشوار است.

#### تحقیقات پیرامون تغییرات حق الزحمه حسابرسی

تحقیقات نشان می‌دهند که حق الزحمه حسابرسی از اواخر دهه ۱۹۸۰ تا اواسط دهه ۱۹۹۰ ثابت مانده یا کاهش اندکی داشته اما از اواخر دهه ۱۹۹۰ با افزایش روبرو بوده است (اثر تورم در نظر گرفته شده است). تفکیک اثر ادغام و رقابت از سایر تغییراتی که مؤسسات حسابرسی و نحوه عمل آن‌ها را متاثر کرده است، امکان‌پذیر نیست. این تغییرات شامل دامنه در حال رشد حسابرسی، رشد خدمات مشاوره مدیریت، پیشرفت‌های تکنولوژی، استانداردهای در حال ظهور حسابرسی و اصلاحات قانونی است که مواجهه مؤسسات حسابرسی با دعوی حقوقی را تغییر داده‌اند، می‌باشد اگرچه اطلاعات اندکی در مورد تغییرات حق الزحمه حسابرسی در طول زمان وجود دارد و مطالعات موجود رویکردهای مختلفی را برای اندازه‌گیری حق الزحمه استفاده کرده‌اند، دو تحقیق دانشگاهی اخیر به صورت گسترده مورد اشاره قرار گرفته‌اند. یکی از این مطالعات (Ivancevich و Zar-koochi) شاخصی جایگزین را برای حق الزحمه حسابرسی استفاده کرده است و دیگری (Williams و Menon) براساس حق الزحمه واقعی است که برای نمونه کوچکی از شرکت‌ها اعمال شده است. هر دو تحقیق دریافتند که در دوره پس از ادغام‌های دهه ۱۹۸۰، حق الزحمه حسابرسی تا اواسط دهه ۱۹۹۰ کاهش یافته است. Ivancevich و Zardkoochi با استفاده از «درآمد حسابرسی هر مؤسسه حسابرسی تقسیم بر ارزش دلاری دارایی‌های حسابرسی شده» به عنوان شاخصی برای حق الزحمه حسابرسی، دریافتند که حق الزحمه هر دو مؤسسه ادغام شده (Ernest & Young و Deloitte & Touche) و شش مؤسسه حسابرسی بزرگ دیگر از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۶ کاهش یافته است. Williams و Menon نیز دریافتند که متوسط حق الزحمه واقعی برای هر صاحبکار از ۳,۴ میلیون دلار در سال ۱۹۸۹ به ۲,۸ میلیون دلار در سال ۱۹۹۷ (سالی که Price Waterhouse و Coopers & Lybrand پیشنهاد ادغام خود را اعلام کردند) کاهش یافته است. اگرچه نتایج این تحقیق به دلیل اندازه کوچک نمونه که در تحلیل رگرسیون مورد استفاده گرفت، محدود بود اما شواهدی دال بر این که ادغام شش مؤسسه حسابرسی بزرگ منجر به افزایش دائمی حق الزحمه شده، مشاهده نکردند.

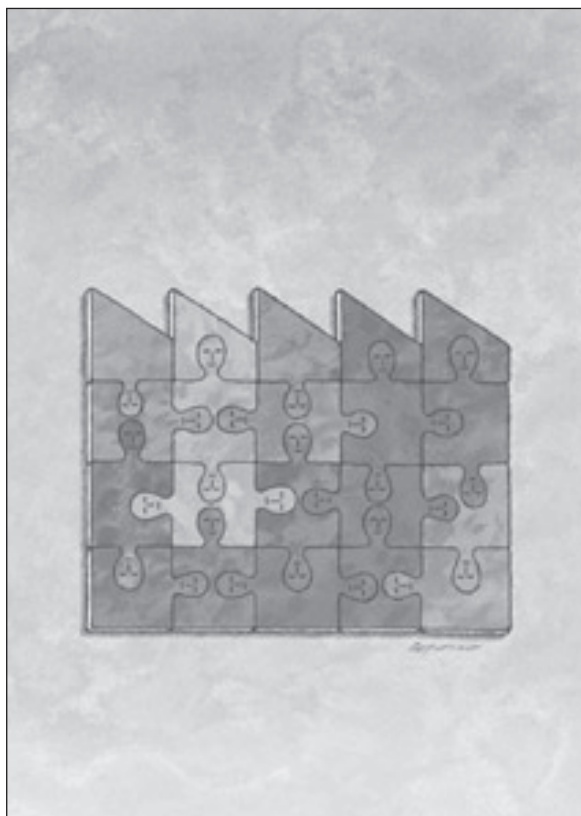
در این تحقیق نیز با استفاده از متوسط درآمد خالص حسابرسی مؤسسات بزرگ به عنوان درصدی از کل فروش

در نظر بگیرید که چندین شرکت بزرگ و تعداد زیادی شرکت کوچک در آن فعالیت می‌کنند و یک مؤسسه حسابرسی بخش قابل ملاحظه‌ای از دارایی‌های آن صنعت را حسابرسی می‌کند. براساس نقشی که این مؤسسه در این صنعت خاص دارد، تفسیر آن از استانداردهای حسابداری می‌تواند به رویه‌های اجرایی غالب در آن صنعت تبدیل شود. در صورتی که این تفسیر مناسب نباشند، شرکت‌های سهامی و مؤسسه حسابرسی ممکن است با ریسک بالایی از بدهی‌های احتمالی مواجه شوند که می‌تواند آثار منفی شدیدی بر کل صنعت و مؤسسه حسابرسی داشته باشد.

در نهایت، قوانین استقلال جدید طبق قانون ساربنز اکسلی که ارائه خدمات غیرحسابرسی به صاحبکاران حسابرسی را محدود می‌کند نیز به نوبه خود تعداد گزینه‌های شرکت‌های سهامی را برای انتخاب حسابرس محدودتر کرده است.

#### رابطه ادغام با حق الزحمه، کیفیت و استقلال حسابرسی

شواهد اندکی درباره رابطه میان ادغام‌های اخیر و حق الزحمه، کیفیت و استقلال حسابرسی وجود دارد. علاوه بر این با توجه به تغییرات عمده‌ای که در اواسط دهه ۱۹۸۰ در حرفه حسابداری رخ داد، تفکیک اثر ادغام از این عوامل دشوار است. البته محققان (براساس تحلیل‌های مبتنی بر جمع هزینه‌های حسابرسی نمونه‌های کوچک از شرکت‌ها) دریافتند که حق الزحمه‌های حسابرسی از سال ۱۹۸۹ ثابت مانده‌اند یا افزایش اندکی داشته‌اند. به علاوه تحقیقاتی نیز در مورد تغییرات کیفیت و استقلال حسابرسی انجام شده‌اند هرچند که بر ادغام تمرکز نداشته‌اند. نظرات پیرامون این موضوع بسیار متفاوت است و به همین دلیل در این مطالعه کارشناسان با دیدگاه‌های متفاوت مورد پرسش قرار گرفته‌اند. علاوه بر حق



حسابرسی شده (شاخصی برای حق الزحمه حسابرسی) دریافتیم که حق الزحمه حسابرسی از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۵ کاهش اندک و از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱ افزایش داشته است. هرچند نمی توان اثر مثبت یا منفی ادغام را در هیچ یک از این دوره ها تعیین کرد.

نمودار ۳: تغییرات حق الزحمه حسابرسی (واقعی). ۱۹۸۴-۲۰۰۰



منبع: Manufacturers Alliance

و تغییرات احتمالی در استانداردهای حسابرسی، حق الزحمه ها افزایش بیشتری خواهند داشت. به دلیل این تغییرات مهم و توانایی اعمال قدرت بازار، تفکیک بخشی از افزایش قیمت ها که از رفتار غیررقابتی ناشی می شود، دشوار است.

تقریباً تمام مؤسسات حسابرسی که در این مطالعه شرکت داشتند اظهار کردند که هم هزینه ها و هم حق الزحمه های آنها طی دهه اخیر افزایش داشته اند اما افزایش هزینه بیشتر بوده است: ۲۴ مؤسسه (۵۱ درصد) اظهار کردند که هزینه های آنها به میزان قابل ملاحظه ای افزایش داشته است و ۲۲ مؤسسه دیگر (۴۷ درصد) اظهار داشتند که هزینه های آنها افزایش ملایمی داشته است. البته در مورد حق الزحمه تنها ۱۲ مؤسسه از ۴۷ مؤسسه (۲۶ درصد) افزایش قابل ملاحظه و ۳۳ مؤسسه (۷۰ درصد) افزایش ملایم را اظهار داشتند. هرچند زمانیکه شرکت های سهامی در مورد حق الزحمه مورد سؤال قرار گرفتند، ۹۳ درصد (۱۳۷ از ۱۴۷) از آنها بر این باور بودند که حق الزحمه حسابرسی در طول دهه اخیر افزایش ملایم یا قابل ملاحظه ای داشته است و ۴۸ درصد (۷۰ از ۱۴۷) بر این باور بودند که ادغام اثر ملایم یا زیادی بر افزایش حق الزحمه ها داشته است. برخی از شرکت های سهامی بیان کردند که بیشتر این افزایش ها در سال های اخیر روی داده است.

### برقراری ارتباط میان ادغام و کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرس

اگرچه تحقیقی به طور مستقیم اثر ادغام میان مؤسسات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرس را بررسی نکرده است اما تعداد محدودی از مطالعات انجام شده، تغییرات کلی کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرس را بررسی کرده اند. در این مطالعه نیز این مباحث با فعالان بازار و محققان مطرح شد. نتایج نشان می دهد که تا به امروز تحقیقات تجربی و نظری در مورد این دو موضوع منجر به نتایج متناقض و غیر قطعی شده است که به دلیل مسائل اندازه گیری، ارزیابی تغییرات کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرس را دشوار کرده است.

### تئوری های رقیب در مورد عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرس

به طور کلی، مشاهده و اندازه گیری کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرس دشوار است. تئوری نشان می دهد که استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی رابطه تنگاتنگی با هم دارند و استقلال حسابرس جزء لاینفک کیفیت حسابرسی است. دی آنجلو (۱۹۸۱a) استقلال را به عنوان «احتمال گزارش یک مشکل کشف شده در صورت های مالی شرکت توسط حسابرس» تعریف کرده است. دی آنجلو (۱۹۸۱b) نیز کیفیت حسابرسی را به عنوان «احتمال مشترک کشف یک مشکل در

هرچند حق الزحمه حسابرسی درصد اندکی از هزینه شرکت های سهامی را تشکیل می دهد اما شواهد اخیر نشان می دهند که حق الزحمه حسابرسی از سال ۲۰۰۰ افزایش قابل ملاحظه ای داشته اند و احتمال دارد این افزایش در آینده نیز ادامه داشته باشد. برخی کارشناسان معتقدند که در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ خدمات حسابرسی تبدیل به فعالیتی زیان ده شدند و به همین دلیل مؤسسات حسابرسی اقدام به ارائه خدمات سودآورتری مانند ارائه خدمات مشاوره مدیریت کردند. در نتیجه، شواهد مربوط به ثابت ماندن حق الزحمه حسابرسی از سال ۱۹۸۹ و سهم نسبتاً اندک آن از هزینه شرکت ها در سال ۲۰۰۰، اطلاعات اندکی را در مورد احتمال اعمال قدرت بازار منعکس می کند که از محدود شدن تعداد مؤسسات ناشی می شود. به همین طریق با توجه به قوانین استقلال جدید و مدل های تجاری در حال ظهور، حق الزحمه های تاریخی (به ویژه برخی از شاخص های حق الزحمه حسابرسی) شواهد اندکی را درباره امکان ایجاد قیمت گذاری غیر رقابتی در آینده فراهم کرده اند.

بر اساس تحقیقات صورت گرفته متوسط حق الزحمه برای شرکت Standard & Poor عمدتاً به دلیل الزامات جدید و رویه های حسابرسی در حال تغییر در اثر رسوایی های اخیر، به میزان ۲۷ درصد در سال ۲۰۰۲ افزایش داشته است. به علاوه، بسیاری از فعالان بازار، کارشناسان و افراد دانشگاهی که با آنها مشورت کردیم بر این باور بودند که به دلیل اجرای الزامات قانون سارینز-اکسلی و تغییرات مربوط در دامنه خدمات حسابرسی خاص

صورت‌های مالی شرکت و گزارش آن»، مطرح کرده است. تحقیقات انجام شده تئوری‌های رقیبی را درباره چگونگی تاثیر رقابت میان مؤسسات حسابرسي، دوره تصدی حسابرسي و اندازه مؤسسه (که همه این عوامل به طور مستقیم تحت تاثیر ادغام هستند) بر استقلال حسابرسي و در نتیجه کیفیت حسابرسي مطرح کرده اند. برای نمونه، برخی از تحقیقات بر این فرض استوار هستند که افزایش رقابت به این دلیل که موجب افزایش فرصت‌ها و انگیزه‌های صاحبکار برای تغییر حسابرسي به دلایلی مانند کاهش حق‌الزحمه حسابرسي و یا داشتن حسابرسي مطیع می‌شود، آثار منفی دربردارد. البته برخی تحقیقات نیز بر این فرض استوار بودند که افزایش رقابت سبب کاهش احتمال اعمال نفوذ نامناسب مؤسسات بر تدوین اصول و رویه‌های حسابداری می‌شود. به همین طریق، دوره تصدی حسابرسي نیز می‌تواند آثار مثبت و منفی در برداشته باشد. برخی از تحقیقات این فرضیه را مطرح کرده‌اند که حسابرسي که دوره طولانی مسئول حسابرسي بوده، ارزش بیشتری برای صاحبکار دارد زیرا آشنایی عمیق تر و درک بهتری از فعالیت صاحبکار دارد که سبب می‌شود حسابرسي برای به دست آوردن اطلاعات در مورد فعالیت صاحبکار به شرکت وابستگی زیادی نداشته باشد. البته برخی تحقیقات نیز این فرضیه را مطرح کرده‌اند که افزایش دوره تصدی حسابرسي می‌تواند منجر به کاهش نوآوری، رویه‌های حسابرسي با سختگیری کمتر و اعتماد بیشتر به صاحبکار شود. برخی تحقیقات نیز به تاثیر اندازه مؤسسات حسابرسي پرداخته‌اند و این موضوع را مطرح کرده‌اند که مؤسسات حسابرسي بزرگ در مقایسه با مؤسسات حسابرسي کوچک استقلال بیشتری نسبت به یک صاحبکار مشخص دارند.

صورت‌های مالی شرکت و گزارش آن»، مطرح کرده است. تحقیقات انجام شده تئوری‌های رقیبی را درباره چگونگی تاثیر رقابت میان مؤسسات حسابرسي، دوره تصدی حسابرسي و اندازه مؤسسه (که همه این عوامل به طور مستقیم تحت تاثیر ادغام هستند) بر استقلال حسابرسي و در نتیجه کیفیت حسابرسي مطرح کرده اند. برای نمونه، برخی از تحقیقات بر این فرض استوار هستند که افزایش رقابت به این دلیل که موجب افزایش فرصت‌ها و انگیزه‌های صاحبکار برای تغییر حسابرسي به دلایلی مانند کاهش حق‌الزحمه حسابرسي و یا داشتن حسابرسي مطیع می‌شود، آثار منفی دربردارد. البته برخی تحقیقات نیز بر این فرض استوار بودند که افزایش رقابت سبب کاهش احتمال اعمال نفوذ نامناسب مؤسسات بر تدوین اصول و رویه‌های حسابداری می‌شود. به همین طریق، دوره تصدی حسابرسي نیز می‌تواند آثار مثبت و منفی در برداشته باشد. برخی از تحقیقات این فرضیه را مطرح کرده‌اند که حسابرسي که دوره طولانی مسئول حسابرسي بوده، ارزش بیشتری برای صاحبکار دارد زیرا آشنایی عمیق تر و درک بهتری از فعالیت صاحبکار دارد که سبب می‌شود حسابرسي برای به دست آوردن اطلاعات در مورد فعالیت صاحبکار به شرکت وابستگی زیادی نداشته باشد. البته برخی تحقیقات نیز این فرضیه را مطرح کرده‌اند که افزایش دوره تصدی حسابرسي می‌تواند منجر به کاهش نوآوری، رویه‌های حسابرسي با سختگیری کمتر و اعتماد بیشتر به صاحبکار شود. برخی تحقیقات نیز به تاثیر اندازه مؤسسات حسابرسي پرداخته‌اند و این موضوع را مطرح کرده‌اند که مؤسسات حسابرسي بزرگ در مقایسه با مؤسسات حسابرسي کوچک استقلال بیشتری نسبت به یک صاحبکار مشخص دارند.



تحقیقات دانشگاهی نشان داده اند که مؤسسات حسابرسي بزرگ خدمات حسابرسي با کیفیت بالاتری را ارائه می‌کنند. مطالعات زیادی وجود دارند که با تعاریف متعدد از کیفیت حسابرسي به نتایج مشابهی دست یافته‌اند. البته باید به این نکته توجه داشت که ماهیت غیرعینی کیفیت حسابرسي، قطعیت شواهد پشتوانه تفاوت کیفیت حسابرسي میان چهار مؤسسه حسابرسي بزرگ و سایر مؤسسات را کاهش می‌دهد برخی از محققانی که در این مطالعه مورد سؤال قرار گرفتند بر این باور بودند که میان کیفیت خدمات ارائه شده تفاوت وجود دارد در حالی که برخی دیگر در مورد وجود این تفاوت متقاعد نشده بودند. یکی از افراد دانشگاهی در پاسخ خود ابراز داشته بود که بررسی تفاوت کیفیت خدمات حسابرسي دشوار است زیرا معمولاً مؤسسات حسابرسي بزرگ هستند که مسئولیت حسابرسي شرکت‌های سهامی بزرگ را برعهده دارند. همچنین این محقق افزوده است که مؤسسات حسابرسي کوچک نیز می‌توانند خدمات حسابرسي با کیفیت مشابه مؤسسات

پالمرز (۱۹۸۸)، تجدید ارائه صورت‌های مالی به دلیل اشتباهات حسابداری را به عنوان معیاری برای کیفیت حسابرسي استفاده کرده‌اند. این تحقیقات با استفاده از این معیار نشان داده‌اند که کیفیت حسابرسي طی دهه ۱۹۹۰ کاهش یافته است چون تجدید ارائه به دلیل اشتباهات حسابداری افزایش داشته است و این افزایش در مورد شرکت‌های سهامی بزرگ نیز بوده است (گروه مشاوره هورن (۲۰۰۳)). از آن جا که شرکت‌های بزرگ، مؤسسات حسابرسي بزرگ را به کار می‌گیرند که طبق باور تاریخی خدمات حسابرسي با کیفیت تری را ارائه می‌کنند، روند رو به افزایش صورت‌های مالی تجدید ارائه شده در اثر اشتباهات حسابداری نگرانی درباره کاهش کیفیت خدمات حسابرسي را تشدید کرده است.

یکی دیگر از معیارهایی که محققان برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسي به کار برده‌اند، انتشار گزارش تداوم فعالیت توسط

حسابرس جهت اخطار به سرمایه گذاران پیش از ورشکستگی شرکت است. گیجر و راگوناندان (۲۰۰۲) دریافتند که در طول دهه ۱۹۹۰ مؤسسات حسابرسی، اظهار نظر کمتری در مورد تداوم فعالیت شرکت‌های دارای مشکلات مالی پیش از ورشکستگی، صادر کرده‌اند. به‌علاوه، مطالعه دیگری که گزارشات تداوم فعالیت را بررسی می‌کرد به این نتیجه رسید که علی‌رغم آن که از میان ۲۲۸ شرکت ورشکست شده از ژانویه ۲۰۰۱ تا ژوئن ۲۰۰۲، حدود ۹۰ درصد آن‌ها حداقل دو نشانه از وجود مشکل مالی را افشا کرده بودند، مؤسسات حسابرسی در مورد نزدیک به ۵۰ درصد این شرکت‌ها در هشدار ورشکستگی قصور داشته‌اند. البته تعداد زیادی از مطالعات به این نتیجه رسیدند که در آخرین صورت‌های مالی حدود نیمی از شرکت‌های ورشکسته در دوره‌های پیش از دهه ۱۹۹۰ نیز در خصوص تداوم فعالیت اظهار نظر نشده است (راگوناندان و رام، ۱۹۹۵).

یکی دیگر از مطالعاتی که بر اظهار نظر نسبت به تداوم فعالیت در یک دوره نسبتاً کوتاه تمرکز داشت، وجود رابطه میان حق‌الزحمه خدمات غیرحسابرسی و استقلال حسابرس را مورد بررسی قرار داد و با استفاده از تمایل حسابرس نسبت به صدور گزارش تداوم فعالیت، دریافت که رابطه قابل ملاحظه‌ای بین این دو وجود ندارد (دیفاند و همکاران (۲۰۰۲)).

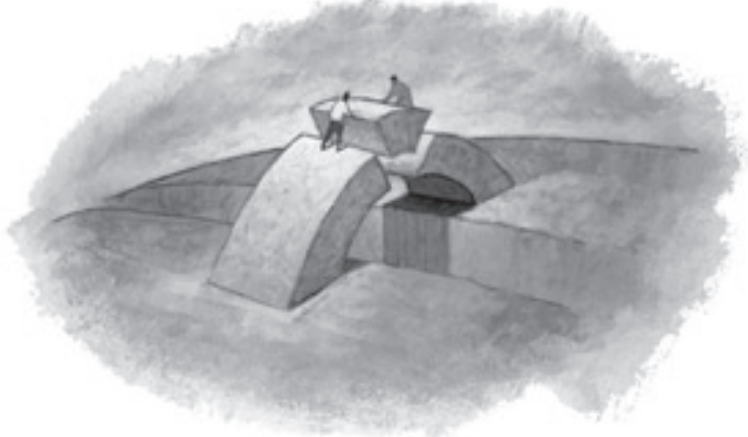
مدیریت یا دستکاری سود (که می‌توان آن را با تمایل مدیریت نسبت به دستیابی به سود معین تعیین کرد) یکی دیگر از معیارهایی است که توسط محققان برای سنجش کیفیت حسابرسی به کار رفته است با این تفاوت که احتمالاً در این مورد تاثیر حسابرس بر میزان سود صاحبکار مستقیم نیست و ممکن است مشکلات بیشتری در خصوص اندازه‌گیری وجود داشته باشد. علی‌رغم شواهد تجربی رو به افزایش مدیریت سود، محققانی که از این معیار برای سنجش میزان کاهش کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرس استفاده کرده‌اند، به نتایج ضد و نقیضی دست یافته‌اند. برای نمونه در حالی که یکی از تحقیقات اخیر به این نتیجه رسید که حق‌الزحمه خدمات غیرحسابرسی باعث مخدوش شدن اعتبار گزارش‌های مالی می‌شود، تحقیق دیگری نتایج آن را زیر سؤال برد و تحقیق دیگری نشان داد که استقلال حسابرسان در مقابل افزایش وابستگی مالی، افزایش می‌یابد (برای صاحبکاران بزرگ) (برای نمونه مراجعه کنید به فرانکل و همکاران، ۲۰۰۲؛ کینی و لیبی، ۲۰۰۲؛ رینولدز و فرانسیس، ۲۰۰۲).

#### ادغام به عنوان علت تغییر کیفیت

تحقیقات موجود پیرامون کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرس به دلیل مشکلات اندازه‌گیری، نتایج غیر قطعی داشته‌اند و این عوامل را در طی دوره‌های زمانی طولانی

مقایسه نکردند یا در نظر نمی‌گیرند. بسیاری از افراد دانشگاهی و کارشناسانی که در این مطالعه مورد سؤال قرار گرفتند اظهار داشتند که به عقیده آن‌ها کیفیت حسابرسی از سال ۱۹۸۹ کاهش یافته است. هرچند سایر پاسخ‌دهندگان شامل مؤسسات حسابرسی کوچک و صاحبکاران بزرگ بر این باور بودند که کیفیت حسابرسی کاهش نیافته است. برای نمونه، ۴۳ درصد (۶۳ از ۱۴۷) شرکت سهامی اظهار داشتند که کیفیت حسابرسی طی دهه اخیر بسیار بهتر یا تا حدی بهتر شده است، در حالی که ۱۸ درصد (۲۷ از ۱۴۷) بر این باور بودند که کیفیت حسابرسی تا حدی بدتر یا بسیار بدتر شده است. ۶۰ درصد (۸۸ از ۱۴۷) از شرکت‌های سهامی اظهار داشتند که حسابرس آن‌ها طی دهه اخیر بسیار مستقل‌تر یا کمی مستقل‌تر شده است هرچند برخی از مؤسسات حسابرسی بر این عقیده بودند که دستیابی به استقلال برای حسابرسان دشوار است: ۱۰ درصد (۱۴ از ۱۴۷) بر این باور بودند که حفظ استقلال در سطح مؤسسه در طی دهه اخیر تا حدی دشوارتر یا بسیار دشوارتر شده است و ۱۹ درصد (۹ از ۴۷) بر این باور بودند که حفظ سطح استقلال در سطح شرکا در طی دهه اخیر دشوارتر یا بسیار دشوارتر شده است.

حتی اگر کیفیت حسابرسی یا استقلال حسابرس تحت تاثیر ادغام قرار گرفته باشد، تعیین رابطه مستقیم آن با ادغام مؤسسات حسابرسی به دلیل وجود تغییرات ساختاری دیگری که در داخل و خارج از بازار خدمات حسابرسی روی داد، دشوار است. در مورد تاثیر ادغام بر کیفیت خدمات حسابرسی، ۶۴ درصد (۹۴ از ۱۴۷) از شرکت سهامی و ۹۵ درصد (۴۱ از ۴۳) از مؤسسات حسابرسی اظهار داشتند که ادغام هیچ تاثیری نداشته یا اثر اندکی داشته است. هرچند برخی از افراد دانشگاهی مورد سؤال بر این باور بودند که در طول دهه ۱۹۹۰ ادغام تاثیر غیرمستقیمی بر کیفیت حسابرسی داشته است و برخی اظهار داشتند که تمرکز بازار حسابرسی، مؤسسات حسابرسی بزرگ را قادر کرده تاثیر بیشتری بر فرآیند تدوین استانداردهای حسابرسی و الزامات مقرراتی داشته باشد.



دو عامل باشد، نرسیده است. به علاوه تاکنون تحقیقی که مستقیماً چگونگی تاثیر ادغام بر تشکیل سرمایه و بازارهای اوراق بهادار در آینده را مورد توجه قرار داده باشد، صورت نگرفته است.

تشکیل سرمایه و بازارهای اوراق بهادار تحت تاثیر عوامل متقابلی مانند نرخ‌های بهره، ریسک و عرضه و تقاضا هستند. تفکیک اثر ادغام بر تشکیل سرمایه یا بازارهای اوراق بهادار به دلیل تعامل پیچیده میان عوامل مؤثر بر فرآیند تشکیل سرمایه، دشوار است و این مطالعه نیز موفق به انجام چنین کاری نشد. به علاوه، بسیاری از فعالان بازار و کارشناسانی که مورد سوال قرار گرفتند نسبت به اثر مستقیم و قابل تشخیص ادغام بر تشکیل سرمایه یا بازارهای اوراق بهادار مطمئن نبودند. برخی بر این باور بودند که مسائل مهمتری مانند رسوایی‌های اخیر مرتبط با حسابداری مانند Enron و WorldCom از طریق کاهش سطح اطمینان سرمایه‌گذاران اثرات بیشتری بر بازار اوراق بهادار داشته است که این اتفاقات نیز لزوماً با ادغام مرتبط نیستند.

نقش اطلاعاتی مؤسسات حسابرسی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیریت شرکت و اعضای بازار سرمایه در مورد وضعیت مالی شرکت بسیار مهم است و موجب بهبود تخصیص منابع می‌شود. بنابراین به میزانی که ادغام بر کیفیت حسابرسی و به‌ویژه بر درک آن تاثیر دارد، بر هزینه و تخصیص سرمایه نیز اثر گذار است. برای نمونه اگر درک عمومی مبنی بر کاهش کیفیت حسابرسی یک شرکت خاص باشد، این امر موجب می‌شود بازار تردید بیشتری نسبت به صورت‌های مالی شرکت داشته باشد و در نهایت هزینه سرمایه شرکت افزایش یابد و تصمیمات فعالان بازار در مورد تخصیص سرمایه تغییر کند. مسئولیت مؤسسات حسابرسی نیز اطمینانی را برای سرمایه‌گذاران نسبت به نقش اعتباردهی حسابرسان به وجود می‌آورد که امکان اقامه دعوی علیه مؤسسه حسابرسی در صورت شکست در ایفای تعهدات خود را ایجاد می‌کند (دای، ۱۹۹۳). ممکن است سرمایه‌گذاران افزایش سرمایه پایه مؤسسات در اثر ادغام را به عنوان عامل افزایش باز یافت زیان در صورت وقوع شکست مؤسسات ادغام شده در نظر بگیرند. به هر جهت، تاثیر مثبت یا منفی افزایش سرمایه پایه برخی از مؤسسات بر رفتارهای سرمایه‌گذاران مشخص نیست.

هرچند تا به امروز اثر مستقیم ادغام هشت مؤسسه بزرگ بر بازارهای سرمایه مشاهده نشده است، برخی از فعالان بازار و شواهد شفاهی نشان می‌دهد که بانک‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران نهادی (که هر دو جزء لاینفک فرآیند تشکیل سرمایه هستند) ترجیح می‌دهند که شرکت‌های سهامی، چهار مؤسسه بزرگ را برای حسابرسی صورت‌های مالی خود انتخاب کنند. اگرچه این ترجیح ظاهراً محدودیتی را برای



### عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی و استقلال حسابرس

به طور کلی اکثر افرادی که در این مطالعه مورد سوال قرار گرفتند - محققان، حسابرسان، مقررات‌گذاران، شرکت‌های سهامی بزرگ - اظهار داشتند که تاثیر عوامل دیگر بر کیفیت حسابرسی می‌تواند بیشتر از تاثیر ادغام باشد. برای نمونه می‌توان به حذف محدودیت‌های تبلیغات، افزایش اهمیت نسبی خدمات مشاوره مدیریت، اصلاحات قانونی، تغییر استانداردهای حسابرسی و عدم تاکید بر کیفیت حسابرسی توسط صاحبکاران و برخی از فعالان بازار نام برد. برخی از افراد آگاه از تاریخچه حسابرسی اظهار کردند که وقتی در دهه ۱۹۷۰ اجازه تبلیغات به مؤسسات داده شد و در پی اثر رقابتی آن بر حق‌الزحمه حسابرسی، مؤسسات حسابرسی به دنبال راه‌هایی برای کاهش دامنه حسابرسی بودند که منجر به کاهش کیفیت حسابرسی شد. برخی از کارشناسان نیز بر این باور بودند که ورود مؤسسات حسابرسی به خدمات سوددهی مانند ارائه خدمات مشاوره مدیریت منجر به ایجاد تضاد منافع و در نتیجه کاهش یکپارچگی و کیفیت خدمات حسابرسی شد.

برخی از منابع نیز اشاره داشتند که در نتیجه برخی از اصلاحات قانونی در دهه ۱۹۹۰، اقامه دعوی علیه حسابرسان و کیفیت خدمات حسابرسی برای شاکیان خصوصی دشوارتر شد که موجب کاهش کیفیت حسابرسی شد. این دیدگاه بر مبنای نتایج گيجر و راگوناندان (۲۰۰۲)، تایید شد که طبق آن پس از اصلاحات قانون در دهه ۱۹۹۰ احتمال این که مؤسسات حسابرسی سرمایه‌گذاران را نسبت به مشکلات مالی شرکت آگاه کنند، کاهش یافته است.

### تاثیر اندک ادغام‌ها بر تشکیل سرمایه یا بازارهای اوراق بهادار و پیامدهای آتی نامشخص

با وجود آن که مؤسسات حسابرسی نقش عمده‌ای در تشکیل سرمایه و عملکرد کارای بازارهای اوراق بهادار دارند اما این مطالعه به نتایجی که نشان‌دهنده تاثیر ادغام بر این



و ظرفیت کافی مواجهه  
اند. اول اینکه، مؤسسات  
کوچک معمولاً با موانعی  
مانند عدم وجود نیروی  
انسانی کافی، تخصص  
حرفه‌ای و دسترسی  
جهانی مواجه‌اند. دوم  
اینکه به نظر می‌رسد  
شرکت‌های سهامی و  
بازار سرمایه چهار مؤسسه  
بزرگ را به دلیل اعتبار  
آن‌ها ترجیح می‌دهند.

سوم این که، افزایش ریسک اقامه دعوی و هزینه‌های بیمه  
ناشی از حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ موجب  
بی‌انگیزگی مؤسسات کوچک نسبت به ورود به بازارهای  
خدمات حسابرسی شرکت‌های سهامی شود. چهارم این  
که، جذب سرمایه جهت گسترش زیرساخت‌های لازم برای  
رقابت با چهار مؤسسه بزرگ که در حال حاضر دارای چنین  
زیرساخت‌هایی هستند، دشوار است که بخشی از آن به دلیل  
ساختار مالکیت مؤسسات حسابرسی است. و در نهایت،  
برخی از قوانین ایالاتی مانند الزامات اعطای گواهینامه، رقابت  
مؤسسات کوچک را تحت تاثیر قرار می‌دهد. مؤسساتی که  
مورد سؤال قرار گرفتند (شامل چهار مؤسسه بزرگ)، همه بر  
این باور بودند که هیچ مؤسسه حسابرسی دیگری توان رقابت  
با چهار مؤسسه بزرگ در مورد ارائه خدمات حسابرسی به  
شرکت‌های سهامی بزرگ را در آینده نزدیک ندارد.

می‌توان گفت عدم وجود پرسنل کافی، تخصص حرفه‌ای  
و دسترسی جهانی لازم برای حسابرسی شرکت‌های سهامی

شرکت‌های بزرگ ملی و  
بین‌المللی ایجاد نمی‌کند،  
اما می‌تواند بر دسترسی  
شرکت‌های کوچک به  
بازار سرمایه تاثیر بگذارد،  
زیرا این شرکت‌ها معمولاً  
از مؤسسات حسابرسی  
کمتر شناخته شده استفاده  
می‌کنند که این امر می‌تواند  
موجب عدم اطمینان  
سرمایه‌گذاران شود و در  
نتیجه منجر به تاخیر در

دسترسی به سرمایه جدید شود. کاهش احتمالی تعداد مؤسسات  
حسابرسی مایل به انجام حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ  
در سایه قانون سارینز-اکسلی نیز می‌تواند بر دسترسی به سرمایه  
و هزینه سرمایه برخی شرکت‌های کوچک تاثیر داشته باشد، به  
ویژه شرکت‌هایی که مؤسسات حسابرسی در مورد سوددهی  
ارائه خدمات به آن‌ها تردید داشته باشند. همانطور که پیش از  
این اشاره شد، آشنایی فعالان بازار با مؤسسات حسابرسی منجر  
به دسترسی آسان‌تر و کم هزینه تر به بازارهای سرمایه می‌شود.

### موانع پیش روی مؤسسات حسابرسی کوچک تر در ورود به بازار خدمات حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ

برخلاف چهار مؤسسه بزرگ که دارای عملیات و  
زیرساخت‌های بین‌المللی هستند، مؤسسات کوچک در ورود  
به بازار خدمات حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ ملی و  
بین‌المللی با مشکلات زیادی مانند محدودیت‌های سرمایه

جدول شماره ۱: هشت مؤسسه بزرگ و چهار مؤسسه بزرگ در مقایسه با مؤسسات بزرگ دیگر (عملیات مستقر در آمریکا)  
سال‌های ۱۹۸۸ و ۲۰۰۲

مؤسسه حسابرسی	متوسط درآمد واقعی (میلیون دلار)	متوسط تعداد شرکا	متوسط تعداد کارکنان حرفه‌ای (غیر از شرکا)	متوسط تعداد دفاتر	متوسط تعداد صاحبکاران بورسی
۱۹۸۸					
هشت مؤسسه بزرگ	۱،۵۶۶	۱،۱۲۶	۱۰،۹۹۱	۱۰۵	۱،۳۵۹
سایر مؤسسات بزرگ	۲۸۸	۳۶۴	۲،۱۱۸	۵۷	۲۳۴
تفاوت	۱،۲۷۸	۷۶۲	۸،۸۷۴	۴۸	۱،۱۲۵
۲۰۰۲					
چهار مؤسسه بزرگ	۴،۴۶۸	۲،۰۲۹	۱۵،۶۶۴	۱۰۱	۲،۰۴۶
سایر مؤسسات بزرگ	۲۹۰	۲۹۲	۱،۵۳۲	۴۷	۲۴۵
تفاوت	۴،۱۷۸	۱،۷۳۶	۱۴،۱۳۲	۵۴	۱،۸۰۱



نمونه، تعداد شرکا و سایر کارمندان حرفه ای K P M G - چهار ر مین مؤسسه بزرگ - در آمریکا در سال ۲۰۰۲ بیشتر از پنج برابر پنجمین مؤسسه حسابرسی از نظر اندازه - Grant Thornton - است. شکاف میان چهار مؤسسه بزرگ و سایر مؤسسات از سال ۱۹۸۸ به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش داشته

است. این شکاف در زمینه‌هایی مانند درآمد، تعداد شرکا، تعداد کارمندان حرفه ای، تعداد دفاتر و تعداد صاحبکاران بورسی می‌باشد. نتیجه این شکاف پدید آمدن ساختار بازار دوگانه است - یک بازاری که چهار مؤسسه بزرگ با برخی از مؤسسات حسابرسی کوچک‌تر برای جذب شرکت‌های سهامی کوچک و متوسط رقابت می‌کنند و یک بازار دیگر که در آن تنها چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ برای جذب شرکت‌های سهامی بزرگ ملی یا چند ملیتی نیازمند صدها کارمند

باشد. بسیاری از مؤسسات کوچک دارای نیروی انسانی کافی نیستند تا بتوانند صدها کارمند خود را تنها به یک صاحبکار اختصاص دهند که این امر موجب محدود شدن توانایی این مؤسسات جهت رقابت با چهار مؤسسه بزرگ در بازار حسابرسی شرکت‌های بزرگ می‌شود. حتی با وجود دسترسی جهانی و مؤسسات تابعه، فاصله بین چهارمین مؤسسه بزرگ و پنجمین مؤسسه بسیار زیاد است (جدول شماره ۱). برای

بزرگ در سطح ملی و بین‌المللی که معمولاً عملیات پیچیده‌ای نیز دارند، مهمترین موانعی است که مؤسسات کوچک با آن مواجه‌اند. به علاوه ۹۱ درصد (۱۱۷ از ۱۲۹) از شرکت‌های سهامی مورد سؤال که حاضر نبودند از مؤسسات غیر از چهار بزرگ استفاده کنند اظهار داشتند که

ظرفیت مؤسسه، نقش مهم یا بسیار مهمی در این باور دارد. حسابرسی شرکت‌های چندملیتی بزرگ معمولاً پیچیده‌تر است و مستلزم تعداد حسابرسان بیشتر با تجربه و آموزش بالاتر است. پیچیدگی حسابرسی شرکت‌های سهامی به عوامل زیادی مانند تعداد بازارهایی که شرکت در آن رقابت می‌کند، اندازه شرکت، ماهیت فعالیت شرکت، انواع جریان‌های درآمد شرکت و تغییرات سازمانی آن بستگی دارد. ممکن است حسابرسی یک شرکت سهامی بزرگ ملی یا چند ملیتی نیازمند صدها کارمند

باشد. بسیاری از مؤسسات کوچک دارای نیروی انسانی کافی نیستند تا بتوانند صدها کارمند خود را تنها به یک صاحبکار اختصاص دهند که این امر موجب محدود شدن توانایی این مؤسسات جهت رقابت با چهار مؤسسه بزرگ در بازار حسابرسی شرکت‌های بزرگ می‌شود. حتی با وجود دسترسی جهانی و مؤسسات تابعه، فاصله بین چهارمین مؤسسه بزرگ و پنجمین مؤسسه بسیار زیاد است (جدول شماره ۱). برای

جدول شماره ۲: مقایسه عملیات بزرگترین مؤسسات حسابرسی در سطح بین‌المللی

مؤسسه حسابرسی	متوسط درآمد (هزار دلار)	متوسط تعداد شرکا	متوسط تعداد کارکنان حرفه‌ای (غیر شریک)
هشت مؤسسه بزرگ			
<b>PricewaterhouseCoopers</b>	۱۳,۷۸۲	۷,۰۲۰	۹۷,۱۰۹
<b>Deloitte &amp; Touche</b>	۱۲,۵۰۰	۶,۷۱۴	۷۳,۸۱۰
<b>KPMG</b>	۱۰,۷۲۰	۶,۶۰۰	۶۹,۱۰۰
<b>Ernest &amp; Young</b>	۱۰,۱۲۴	۶,۱۳۱	۶۰,۷۱۳
سه مؤسسه بزرگ دیگر			
<b>BDO Seidman</b>	۲,۳۹۵	۲,۱۸۲	۱۶,۰۷۸
<b>Grant Thornton</b>	۱,۸۴۰	۲,۲۵۶	۱۴,۰۱۹
<b>McGladrey &amp; Pullen</b>	۱,۸۲۹	۲,۲۴۵	۱۲,۷۷۵

و رویه‌های مورد استفاده در مؤسسات وابسته به مؤسسات کوچک یکنواختی کم‌تری دارد که این امر نگرانی شرکت‌های سهامی چند ملیتی را افزایش می‌دهد.

### مؤسسات کوچکتر فاقد شهرت بین‌المللی هستند

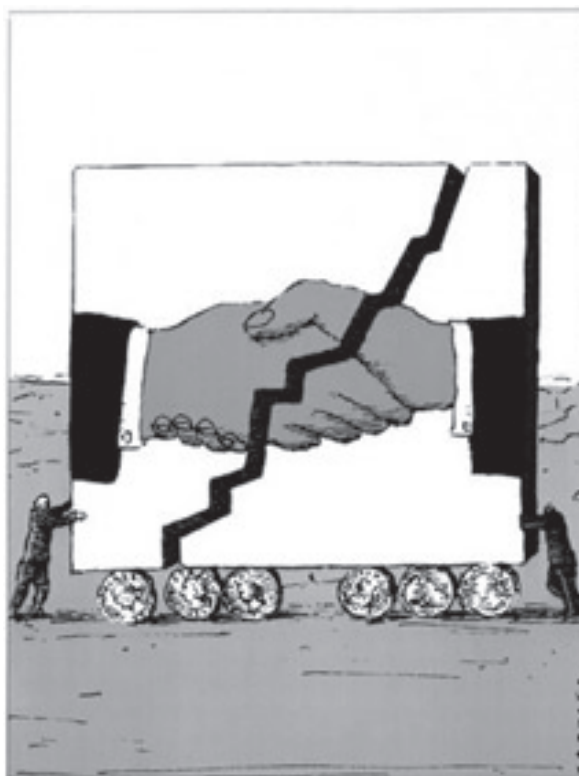
مؤسسات کوچک حسابرسی در ایجاد شهرت و شناخت میان شرکت‌های سهامی بزرگ ملی و بین‌المللی و فعالان بازار با مشکل روبرو هستند. یکی از دلایل ترجیح چهار مؤسسه بزرگ برای فعالان بازار، آشنایی بیشتر آن‌ها با این مؤسسات بزرگ است. برای نمونه، برخی از شرکت‌های سهامی بزرگ بر این باور بودند که تعدادی از مؤسسات حسابرسی کوچک می‌توانند به شرکت‌های سهامی بزرگ ملی خدمات ارائه کنند که البته این امر به پیچیدگی فعالیت شرکت بستگی دارد. این افراد اضافه کرده‌اند که ممکن است هیئت مدیره این شرکت‌ها گزینه مؤسسات حسابرسی کوچک را در نظر نگیرند. سایر افراد مورد سؤال بیان کردند که علی‌رغم رسوایی‌های اخیر در میان مؤسسات بزرگ، بسیاری از فعالان بازار هنوز به خدمات مؤسسات بزرگ اعتماد دارند. ۸۲ درصد (۱۲۱) از ۱۴۸ شرکت‌های سهامی مورد پرس‌وجو به این نکته اشاره داشتند که اعتبار و شناخت بین‌المللی از مؤسسه حسابرسی برای آن‌ها در انتخاب حسابرس مهم یا بسیار مهم است. این امر نیز دومین عاملی است که تنها از طریق افزایش کیفیت، افزایش می‌یابد.

### افزایش ریسک اقامه دعوی حقوقی و هزینه‌های بیمه

افزایش ریسک اقامه دعوی حقوقی نیز مانع دیگری در مقابل مؤسسات حسابرسی کوچک در جذب شرکت‌های سهامی بزرگ است زیرا آن‌ها با مشکلاتی در زمینه مدیریت این ریسک و تامین پوشش بیمه‌ای کافی مواجه هستند. مانند بسیاری از موانع دیگر که مؤسسات کوچک حسابرسی با آن مواجه هستند، این چالش نیز برای همه مؤسسات حسابرسی وجود دارد. حتی اگر فرض کنیم مؤسسات کوچکتر قادر به تحصیل پوشش بیمه‌ای کافی برای ریسک‌های جدید باشند، بسیاری از آن‌ها به اندازه کافی بزرگ نیستند تا از طریق صرفه‌جویی ناشی از مقیاس بتوانند ریسک اقامه دعوی و هزینه بیمه را بین سرمایه پایه بیشتری تقسیم کنند. با توجه به پاسخ ۸۳ درصد (۳۸ از ۴۶) از مؤسسات، بیمه و اقامه دعوی بر هزینه‌های آنها تاثیر زیادی داشته است که بنابر اظهار آن‌ها این هزینه‌ها افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. به ویژه برخی مؤسسات بر این باور بودند که مبلغ کسورات و حق بیمه آن‌ها به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و پوشش بیمه‌ای محدودتر شده است.

امر معمولاً در مؤسسات حسابرسی بزرگ محقق می‌شود. بنابر اعتقاد برخی از شرکت‌های سهامی، حساب‌رسان آن‌ها باید دارای شبکه گسترده جهانی باشند تا از این طریق عملیات بین‌المللی این شرکت‌ها را حسابرسی کنند. مؤسسات حسابرسی کوچک که دارای چنین شبکه جهانی نیستند با چالش بزرگی در مورد رقابت برای جذب صاحبکاران چندملیتی بزرگ مواجه‌اند. همانطور جدول شماره ۲ نشان می‌دهد شکاف میان چهار مؤسسه بزرگ و سه مؤسسه بزرگ بعد از آن‌ها از نظر عملیات بین‌المللی بسیار بیشتر از تفاوت آن‌ها در مورد عملیات مستقر در آمریکا است.

با وجود این که برخی مؤسسات کوچک در سطح بین‌المللی نیز فعالیت دارند اما در این مطالعه دریافتیم که شرکت‌های



سهامی و سایرین نسبت به وجود چنین سطح فعالیت آگاهی ندارند و یا به درجه خدمات یکپارچه‌ای که این مؤسسات می‌توانند از طریق مؤسسات وابسته خود در سطح بین‌المللی فراهم کنند، اطمینان ندارند. مؤسسات وابسته هر یک از چهار مؤسسه بزرگ در سطح بین‌المللی هر یک شخصیت حقوقی جداگانه و مستقلی دارند اما معمولاً منابع مشترک، سیستم‌های پشتیبانی، رویه‌های حسابرسی و ساختارهای کنترل داخلی و کیفیت یکسانی دارند. افراد فعال در بازار بر این باورند که در مقابل، مؤسسات وابسته به مؤسسات حسابرسی کوچک‌تر بیشتر تمایل دارند تا مشترکات کمتری با هم داشته باشند. به علاوه، فعالان بازار بر این باورند که استانداردهای کیفی

اگرچه ادغام راهی را برای رشد و گسترش سرمایه فراهم می‌کند، اما مؤسسات حسابرسی کوچک مورد تحقیق به این نکته اشاره کردند که مایل به ادغام با مؤسسات حسابرسی با اندازه مشابه نیستند. برخی بر این باور بودند که این ادغام منافع اقتصادی یا تجاری را دربر نخواهد داشت و برخی دیگر اظهار داشتند که مایل اند شخصیت یکتای خود را حفظ کنند.

در این مطالعه از مدل Doogar و Easley (۱۹۹۸) استفاده کردیم تا با شبیه سازی ادغام مؤسسات کوچک بررسی کنیم که آیا در یک محیط رقابتی خالص، این ادغام‌ها منجر به ایجاد یک رقیب برای چهار مؤسسه بزرگ در زمینه ارائه خدمات به شرکت‌های بزرگ ملی و بین‌المللی می‌شود یا خیر. برای این منظور پنج مؤسسه بزرگ پس از چهار مؤسسه بزرگ از نظر



تعداد شرکا (Grant Thornton، BDO Seidman، Baid Kurtz و Moss Adams & Dobson McGladrey & Pullen) را با هم ادغام و بازار را شبیه سازی کردیم تا بررسی کنیم که آیا مؤسسه جدید حاصل از این ادغام می‌تواند شرکت‌های سهامی (در هر اندازه‌ای) را از چهار بزرگ جذب کند یا خیر. در ابتدا فرض کردیم مؤسسه جدید به اندازه چهار مؤسسه بزرگ کارا است (از طریق محاسبه نسبت کارکنان به شرکا). با این فرض، سهم بازار مؤسسه جدید ۱۱٫۲ پیش بینی شد که در مقایسه با مجموع سهم بازار جداگانه این مؤسسات در سال ۲۰۰۲ (۸٫۶ درصد) نشان‌دهنده افزایش سهم بازار به اندازه ۲٫۶ درصد است. اما با فرض کارایی کمتر، سهم بازار مؤسسه جدید بین ۴٫۵ درصد (فاقد کارایی) تا

بنا به اظهار برخی از مؤسسات حسابرسی با توجه به ریسک‌های اخیر در حرفه حسابداری و افزایش دعاوی حقوقی بر علیه مؤسسات حسابرسی، شرکت‌های بیمه، ریسک و عدم اطمینان بیش‌تری را در بیمه کردن مؤسساتی که شرکت‌های سهامی بزرگ را حسابرسی می‌کنند، ملاحظه می‌کنند. در نتیجه برخی از مؤسسات کوچک مورد سؤال، ارائه خدمات به شرکت‌های غیرسهامی را محدود کرده بودند. سایر مؤسسات اظهار داشتند که افزایش ریسک حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ نقش عمده‌ای در تصمیم‌گیری آن‌ها در مورد فعالیت در بازار خدمات حسابرسی شرکت‌های سهامی داشته است.

بسیاری از مؤسسات بزرگ حسابرسی به جز چهار مؤسسه بزرگ بیان کردند که فرصت‌های زیادی برای رشد در بازار ارائه خدمات حسابرسی به شرکت‌های سهامی متوسط و بازار خدمات حسابرسی به شرکت‌های خصوصی دارند. به علاوه مؤسسات کوچکتر بر این باور بودند که می‌توانند شرکت‌های بزرگ را برای ارائه سایر خدمات غیرحسابرسی مانند خدمات مشاوره مدیریت، حسابرسی داخلی و حسابرسی قضایی جذب کنند. همچنین این مؤسسات اظهار داشتند که در جهت افزایش سود به دنبال بخش‌هایی از بازار هستند که قابلیت رقابتی بیشتری در آن دارند که معمولاً شامل بازار حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ نمی‌شود.

### افزایش سرمایه جهت رشد

دسترسی به سرمایه یکی دیگر از عوامل مهمی است که در توانایی مؤسسات حسابرسی نسبت به ایجاد شبکه جهانی و زیرساخت‌های لازم برای ورود به بازار ارائه خدمات حسابرسی برای شرکت‌های سهامی بزرگ نقش بسزایی دارد. مؤسسات حسابرسی زیادی، عدم وجود سرمایه کافی را به عنوان مهم‌ترین مانع رشد و جذب صاحبکاران بزرگ عنوان کرده‌اند. آن‌ها بر این باور بودند که ساختار مالکیت مؤسسات حسابرسی یکی از عواملی است که توانایی مؤسسات برای جذب سرمایه را محدود و مؤسسات کوچک را با چالش بزرگ تری روبرو کرده است. ساختار مالکیت مؤسسات حسابرسی به گونه است که این مؤسسات قادر به افزایش سرمایه از طریق بازار سرمایه نیستند و برای گسترش فعالیت‌های خود باید به دنبال راه‌کارهای دیگری مانند استقراض از مؤسسات مالی، ادغام با سایر مؤسسات حسابرسی، رشد مؤسسه بدون ادغام و یا استفاده از منابع شخصی شرکا و کارکنان باشند. افزایش سرمایه از طریق استقراض دشوار است، زیرا مؤسسات حسابرسی به عنوان سازمان‌های حرفه‌ای ارائه خدمات، وثایق لازم برای تضمین بدهی را ندارند.

بررسی برای برآورده کردن الزامات بررسی همپیشگان طبق قوانین ایالتی کافی است یا خیر و یا این که آیا مؤسسات حسابرسی برای صاحبکاران خصوصی ملزم به بررسی در سطح ایالتی و دولت هستند یا خیر، تاکنون مشخص نشده است.



۶,۴ درصد (اندکی کارا) بود که نشان می‌دهد سهم بازار نسبت به مجموع سهم بازار جداگانه هر یک از مؤسسات کاهش یافته است. حتی بدون در نظر گرفتن بسیاری از ملاحظات دنیای واقعی مانند اعتبار و دسترسی جهانی، این نتایج نشان‌دهنده مشکلاتی است که هر یک از رقبای بالقوه چهار مؤسسه بزرگ در بازار خدمات حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ با آن مواجه هستند.

### خلاصه نتایج

براساس اظهارات مقامات مسئول ادغام میان هشت بزرگ، ادغام مؤسسات حسابرسی

بزرگ به عوامل زیادی وابسته بوده است اما مهمترین عوامل مؤثر بر آن نیاز به موارد زیر بوده است:

(۱) همگام شدن با رشد، اندازه و دسترسی جهانی شرکت‌های سهامی که مؤسسه به آنها خدمات حسابرسی ارائه می‌کرد،

(۲) دستیابی به صرفه جویی ناشی از مقیاس بیشتر با مدرنیزه کردن عملیات و سایر ظرفیت‌های مرتبط با تکنولوژی و (۳) گسترش تخصص در صنعت و تخصص فنی.

ادغام با مؤسسات حسابرسی مشابه - از میان هشت مؤسسه بزرگ - سریع‌ترین راه برای پرکردن شکاف‌ها در زمینه پوشش جغرافیایی، گسترش دسترسی جهانی و ایجاد تخصص در صنایع است. به علاوه، ادغام این فرصت را برای مؤسسات فراهم کرد تا سرمایه پایه خود را به سرعت افزایش دهند و از این طریق به توزیع ریسک بپردازند و با استفاده از پیشرفته کردن عملیات خود از طریق فن‌آوری اطلاعات و سیستم‌های آموزشی، از صرفه‌جویی اقتصادی آن استفاده کنند. برخی از ادغام‌های اخیر نیز با هدف حفظ اندازه در مقایسه با سایر مؤسسات بزرگ و حفظ موقعیت خود میان مؤسسات بزرگ روی داده‌اند.

با وجود این که بازار ارائه خدمات حسابرسی به شرکت‌های سهامی بزرگ بسیار متمرکز شده است - که موجب ایجاد موانعی برای ورود به بازار خدمات حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ شده است - و مؤسسات حسابرسی بزرگ (در سطح ملی و بین‌المللی) توان اعمال قدرت بر بازار را دارند، هیچ شواهد تجربی دال بر کاهش میزان رقابت در بازار

### مقررات ایالتی

اگرچه در همه ایالات، استفاده از عنوان حسابدار رسمی تنها باید برای افرادی استفاده شود که به عنوان حسابدار رسمی در ایالت مربوطه ثبت شده‌اند، اما سایر الزامات اعطای گواهینامه یکسان نیست. هیئت‌های ایالتی به دنبال سیستم یکنواخت‌تری بر مبنای قانون حسابداری یکنواخت هستند. این قانون مدلی از قانون اعطای گواهینامه حسابدار رسمی توسط ایالات است که به دنبال شرایط معادل در مورد تحصیلات، آزمون و تجربه است تا ایالات گواهینامه‌های یکدیگر را به عنوان معادل بپذیرند.

برخی مؤسسات بر این باورند که نظارت مضاعف ایالات و دولت فدرال، بیشتر بر مؤسسات کوچک فشار می‌آورد و موجب می‌شود تا این مؤسسات ارائه خدمات به شرکت سهامی را متوقف کنند. به علاوه بسیاری از ایالات (۳۷) نیز برای انعکاس ساختار نظارت دولت، بررسی همپیشگان را برای مؤسسات ثبت شده در ایالت خود الزامی کرده‌اند. تا سال ۲۰۰۲ این الزامات عموماً با فرآیند بررسی همپیشگان که براساس «بخش رویه‌های بورس» انجمن حسابداران رسمی انجام می‌شد، سازگار بود. قانون ساربنز-اکسلی هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی را جهت تدوین استانداردهای حسابرسی و نظارت بر مؤسسات در مورد رعایت این استانداردها تاسیس کرد. برخلاف فرآیند قبلی بررسی همپیشگان که بر فعالیت‌های کلی مؤسسه متمرکز بود، هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی به دنبال بررسی رویه‌های شرکت‌های سهامی صاحبکار مؤسسه حسابرسی است. این که آیا این

اندازه‌گیری تغییرات کیفیت حساسی و استقلال حساسی به طور کلی بودند. این مطالعه و کارشناسان حسابداری مورد تحقیق دیدگاه ترکیبی در مورد این عوامل داشتند. البته باید به این نکته توجه داشت که به دلیل تغییرات بی‌سابقه در بازار حساسی، رفتارهای گذشته نمی‌توانند نشان دهنده آینده باشند و در نتیجه این عوامل و عوامل دیگر می‌توانند سبب جلب توجه بیشتر به حق الزحمه، کیفیت و ریسک تمرکز شوند.

در این مطالعه به شواهدی که نشان دهد ادغام مؤسسات حساسی اثر مستقیمی بر تشکیل سرمایه یا بازارهای اوراق بهادار دارد دست نیافتیم و تحقیقی که اثر ادغام بر تشکیل سرمایه یا بازار اوراق بهادار را مورد مطالعه قرار داده باشد، یافت نشده است. با توجه به نقش اعتباردهی که حساسان در بازار سرمایه دارند، فعالان بازار معمولاً انتظار دارند که شرکت‌های سهامی از چهار مؤسسه بزرگ استفاده کنند. هرچند این انتظار و ترجیح تأثیر چندانی بر شرکت‌های سهامی بزرگ ندارد اما ادغام مؤسسات حساسی موجود در بازار ممکن است پیامدهایی برای شرکت‌های سهامی کوچک تر داشته باشد. برای نمونه، زمانی که مؤسسات حساسی سود دهی و ریسک صاحبکاران خود را ارزیابی می‌کنند، ممکن است ارائه خدمات به صاحبکاران کوچک که سوددهی کم تری دارند و یا ریسک بیشتری به مؤسسه تحمیل می‌کنند را قطع کنند. درمقابل ممکن است این شرکت‌های سهامی کوچک در صورت عکس‌العمل سهامداران به عدم استفاده از مؤسسات حساسی بزرگ، متحمل هزینه‌های بیشتری برای جذب سرمایه شوند.

در نهایت به این نتیجه رسیدیم که مؤسسات حساسی

کوچک جهت ورود به بازار خدمات حساسی شرکت‌های سهامی بزرگ با موانع جدی مواجه هستند. اول این که مؤسسات کوچک معمولاً نیروی انسانی کافی، تخصص حرفه‌ای و دسترسی جهانی لازم برای ارائه خدمات به شرکت‌های سهامی بزرگ ملی و بین‌المللی را ندارند. در این مورد، شرکت‌های سهامی بزرگ مورد سوال بر این باور بودند که



خدمات حساسی مشاهده نشده است. با توجه به انحلال آرتوراندرسون و سایر تغییرات مهم در عملیات مؤسسات حساسی، مشخص نیست که آیا چهار مؤسسه بزرگ در آینده قدرت بازار خود را اعمال می‌کنند یا خیر. جهت ارزیابی این که آیا تمرکز بالای بازار خدمات حساسی لزوماً با آرایش رقابت قیمتی ناسازگار است یا خیر، از مدل ساده رقابت کامل استفاده شد که در آن صاحبکاران، مؤسسات حساسی را بر اساس قیمت انتخاب می‌کردند.

نتایج شبیه سازی مدل بسیار مشابه سهم بازار واقعی بود که نشان می‌دهد افزایش تمرکز لزوماً با محیط رقابتی قیمتی ناسازگار نیست. بیشترین تأثیر تمرکز در مورد شرکت‌های سهامی بزرگ قابل مشاهده است زیرا آن‌ها گزینه‌های کمتری را دارند که منابع انسانی، تخصص صنعت و تخصص حرفه‌ای و پوشش جغرافیایی و اعتبار بین‌المللی را در اختیار داشته باشند. در بسیاری موارد نیز تعداد گزینه‌های موجود برای انتخاب حساسی به دلیل عواملی مانند تضاد منافع احتمالی، الزامات قانون ساربنز اکسلی شامل قوانین استقلال و یا تخصص در صنعت محدودتر نیز می‌شوند. با توجه به تغییرات بی‌سابقه در بازار حساسی و سایر مفاهیم رقابتی، نگرانی در مورد تمرکز بیشتر و عدم وجود گزینه‌های عملی برای انتخاب حساسی در برخی صنایع افزایش یافته است.

با توجه به تغییرات عمده‌ای که در حرفه حساسی رخ داده و در حال رخ دادن است، تفکیک اثر تمرکز بر حق الزحمه حساسی، کیفیت حساسی و استقلال حساسی از سایر عوامل دشوار است. محققان دریافتند که تمرکز بر حق الزحمه حساسی اثری نداشته است و حق الزحمه حساسی بین سال ۱۹۸۹ تا اواسط دهه ۱۹۹۰ ثابت مانده یا کاهش اندکی

داشته است. اما از اواخر دهه ۱۹۹۰، حق الزحمه حساسی افزایش یافته است که تا اندازه‌ای به دلیل محیط در حال تغییر حساسی و افزایش انتظارات صاحبکاران است. در مورد اثر ادغام بر کیفیت حساسی و استقلال حساسی، تحقیقی که تغییرات این عوامل را به ادغام مرتبط کرده باشد، یافت نشد. تحقیقات در این زمینه بیشتر به دنبال

قرار داشتند بیان کردند ریسک اقامه دعوی و هزینه‌های بیمه‌ای مرتبط با حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ باعث شده رشد در بازار حسابرسی این شرکت‌ها نسبت به سایر فرصت‌های رشد از جذابیت کمتری برخوردار باشد. چهارم این که افزایش سرمایه جهت ایجاد زیرساخت‌های لازم برای حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ دشوار است که مهم‌ترین



مؤسسات کوچک ظرفیت لازم برای حسابرسی عملیات آن‌ها را ندارند. همچنین در این مطالعه از مدلی استفاده شد که ادغام میان مؤسسات کوچک را شبیه‌سازی می‌کند تا بررسی شود آیا در یک محیط رقابتی خالص، چنین اقدامی می‌تواند موجب ایجاد رقیب برای چهار مؤسسه بزرگ در بازار خدمات حسابرسی شرکت‌های سهامی بزرگ شود یا خیر. نتایج این

مدل نشان می‌دهد که مؤسسه جدید حاصل از ادغام فاقد منابع لازم جهت رقابت با چهار مؤسسه بزرگ خواهد بود. دوم این که فعالان بازار سرمایه با چهار مؤسسه بزرگ آشنا هستند و نسبت به شرکت‌هایی که غیر از این مؤسسات را انتخاب می‌کنند تردید بیشتری دارند. سوم این که بسیاری از هشت مؤسسه بزرگ که در رتبه‌های بعد از چهار مؤسسه بزرگ

مدل نشان می‌دهد که مؤسسه جدید حاصل از ادغام فاقد منابع لازم جهت رقابت با چهار مؤسسه بزرگ خواهد بود. دوم این که فعالان بازار سرمایه با چهار مؤسسه بزرگ آشنا هستند و نسبت به شرکت‌هایی که غیر از این مؤسسات را انتخاب می‌کنند تردید بیشتری دارند. سوم این که بسیاری از هشت مؤسسه بزرگ که در رتبه‌های بعد از چهار مؤسسه بزرگ

#### پی‌نوشت‌ها

1. General Accountability Office
2. Hirschman-Herfindahl(HHI)
3. Federal Trade Commission

4. Department of Justice
5. Uniform Accountancy Act (UAA)

#### منابع

1. L. DeAngelo, (1981) "Auditor Independence, 'Low Balling,' and Disclosure Regulation," *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 3, 113-127.
2. L. DeAngelo, (1981) "Auditor Size and Audit Quality," *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 3, 183-199.
3. Z. Palmrose, (1988) "An Analysis of Auditor Litigation and Audit Service Quality," *The Accounting Review*, Vol. 63, No. 1, 55-73.
4. Huron Consulting Group, (2003) "An Analysis of Restatement Matters: Rules, Error, Ethics," Internet-Based Report.
5. M. Geiger and K. Raghunandan, (2002) "Going-Concern Opinions in the 'New' Legal Environment," *Accounting Horizons*, Vol. 16, No. 1.
6. K. Raghunandan and K. Rama, (1995) "Audit Reports for Companies in Financial Distress: Before and After SAS No. 59," *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. 14, No. 1, 50-63.
7. M. Defond, K. Raghunandan, and R.

- Subrabanyam, (2002) "Do Non-Audit Service Fees Impair Auditor Independence? Evidence from Going Concern Audit Opinions," *Journal of Accounting Research*, Vol. 40, No. 4, 1247-1274.
8. R. Frankel, M. Johnson, and K. Nelson, (2002) "The Relation between Auditors' Fees for Nonaudit Services and Earnings Management," *The Accounting Review*, Vol. 77, 71-105.
9. W. Kinney, Jr., and R. Libby, (2002) "Discussion of 'The Relation between Auditors' Fees for Nonaudit Services and Earnings Management,'" *The Accounting Review*, Vol. 77, 107-114.
10. J. Reynolds and J. Francis, (2001) "Does Size Matter? The Influence of Large Clients on Office-Level Auditor Reporting Decisions," *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 30, 375-400.
11. R. Dye, (1993) "Auditing Standards, Legal Liability, and Auditor Wealth," *Journal of Political Economy*, Vol. 101, No. 5, 887-914.